



# پیام فدائی

مرکب برای ما  
و سنگهای زنجیریش

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

بها: ۵۰ ریال

شهریور و مهر ماه ۶۸ - ۴۰ صفحه

سال چهارم شماره ۲۸

## وقتی که حزب دمکرات معلم سوسیالیسم می شود!

داده و آنها را به "تمرین دمکراسی" در کردستان دعوت مینمود؛ امروز این رهبری هر اوج افلاخ و ورشکستگی اما با "روحیه" تمام به کسوت معلم سوسیالیسم و عدالتمت از نوع "دمکراتیک" اش درآمده و قمد تعلیم و آموزش سوسیالیسم به آنها را نموده است.

رهبری حزب دمکرات کردستان ایران که تا دیروز با فحاشی سرعلیه "سازمانهای چپ مارکسیست ایران" برای خود بازار گرمی میکرد و به این وسیله راه نزدیکی با دارودسته های ضدانقلابی را هموار مینمود، و گاه در این زمینه کار ابتذال را به آنها میرساند که در کسوت معلم دمکراسی به آنها درس دمکراسی

در صفحه ۵



## برنامه پنج ساله

## رفسنجانی، برنامه اش برای

## فارت بیشتر توده ها

سردمداران دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی پس از ده سال جنگ و ویرانگری و شرایط دهشتناکی که برای خلقهای ما به ارمان آورده اند، دهه آینده را "دهه بازسازی" اعلام نموده و پس از مسوک خصیصی تبلیغات وسیعی به نفع رئیس جمهوری رفسنجانی برآوردند و این توهم را اشاعه داده و میدهند که گویا با رئیس جمهور شدن رفسنجانی با توجه به ویژگیهای شخصی وی - به خصوص که وظایف رئیس جمهور و نخست وزیر نیز در هم ادغام شده - کسی در رأس قوه اجرائی قرار نمیکرد که بواجتی میتواند شعارهای "دهه بازسازی" را متحقق ساخته و با اصطلاح بر رکود و تورم و بیکاری در صفحه ۲

## دانش آموزان در سال تحصیلی جدید

در صفحه ۴۰

## در این شماره

### گزیده های آزاد یهودی چریکها:

اعتراف به وجود ده میلیون بیمار روانی در کشور

جمهوری اسلامی و معضل لایپونانی ده تن شمش طلا

به مناسبت ۳۱ شهریور نهمین سالگرد آغاز جنگ امپریالیستی ایران و عراق

در صفحه ۲۱

- ترور صدیق کمانگر جلوه دیگری از تروریسم جمهوری اسلامی ۱۴
- شعر ۱۵
- تعطیلات تابستانی حبله جدیدی برای اخراج کارگران ۱۶
- ۱۷ شهریور فرازشکوه مندی از مبارزات خلقهای ما ۱۷
- نکته ها و گفته ها ۱۸
- به مناسبت درگذشت منوچهر محجوبی ۲۰
- اخبار و گزارشهای خبری ۳۲
- ایران از دریچه آمار ۳۸

## اطلاب چریکهای فدائی خلق ایران

در رابطه با اقدام تروریستی

رزیم جمهوری اسلامی در تبریس

در صفحه ۱۳

## زنده باد مبارزه مسلمانان که تنها راه رسیدن به آزادی است!

## برنامه پنج ساله رفسنجانی، برنامه‌اش برای غارت بیشتر توده‌ها

از صفحه ۱

تحمل نتایج فاجعه‌بار بحران اقتصادی و جنگ امپریالیستی جانشان به لب‌شان رسیده و توقع حل "مشکلات" موجود را دارند؛ اگرچه چنان توقعاتی گاه از تحلیل‌هایی نیز تاثیر می‌پذیرند که هیچگونه انطباقی با واقعیت نداشته و فقط لبه تیز مبارزه توده‌ها را کند می‌سازند.

هرچند توقع توده‌های ستمدیده ما برای برخوردار شدن از یک زندگی مرفه امر بر حقی است اما غلبه‌های ما با پسند بدانند که انتظار با شکستی به چنین توقع بر حقی از دولت رفسنجانی و اساس رژیم موجود خیالی عبث بوده و دولت رفسنجانی نیز همچون دولت ثورنی در چهارچوب رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی این سنگ ننگهبان سرمایه‌داری وابسته ایران نه می‌خواهد و نه می‌تواند در این راستا کامی بردارد.

برای نشان دادن واقعیت فوق به بررسی هرچند مختصر برنامه ۵ ساله دولت رفسنجانی می‌پردازیم. برنامه‌ای که خود رفسنجانی تاکید می‌کند با برنامه‌ای که دولت موسوی برای ۵ سال آینده تدوین نموده بود، ماهیت تفاوتی ندارد چراکه بقول خودش "اسکلت و اساس این برنامه تغییر نکرده است". اهداف برنامه فوق از سوی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس چنین اعلام میشود: "اهداف این برنامه که به ترتیب نیز رسیده عبارتند از: ۱- تقویت بنیه دفاعی، ۲- بازاری و نو سازی ظرفیتهای تولیدی و زیرساختی، ۳- کادری و تربیت نیروی انسانی، ۴- ایجاد رشد اقتصادی ۵- تلاش در جهت تامین قسط و عدالت کامل، ۶- تامین حداقل نیازهای اساسی مردم (به‌هرحال ما به‌تاج ضروری مردم را در اقصی نقاط کشور باید شکل نماییم)، ۷- اصلاح سازماندهی و مدیریت کشور".

همانطور که مشاهده شد آنچه در صدر این برنامه و در اولویت قرار گرفته "تقویت بنیه دفاعی" جمهوری اسلامی است و همین واقعیت است که با توجه به فرایندی که رژیم در آن قرار گرفته، سیما واقعی برنامه دولت رفسنجانی را روشن می‌سازد. پس به ترتیب فوق این برنامه اعلام میکند که قصد دارد بخش مهمی از درآمد کشور را در ۵ سال آینده به تقویت نیروهای نظامی اختصاص دهد و رفسنجانی خود در توجیه

فائق آمده و با ایجاد رونق اقتصادی "ثمنت و ارزانی و فراوانی برای مردم به ارمغان" آورد.

در این میان دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستها به کمک رژیم آمده و تماما کوشیدند با باد کردن در جهنم رفسنجانی این نوکر حلقه بگوش امپریالیسم از او شخصیتی بسازند که از فرار کلید حل همه تاسا ماندهای موجود در کشور را در حیطه دارد، و سعی کردند توده‌ها را به "معجزه" رفسنجانی دلخوش نمایند.

تبلیغات امپریالیستی در این زمینه، که خود بیانگر حمایت قاطع امپریالیسم همچون دهسال گذشته از رژیم حاکم و نمایانگر قصد امپریالیسم بر تداوم بخشیدن به حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی در ایران بود بقدری پر سروصدا براه انداخته شد که اگرچه موجب فریب بسیاری از کوتاه اندیشان گردید اما بردهمداران رژیم را نیز به وحشت انداخت و آنها آنرا تبلیغاتی افراطی که باعث دادن زدن به توقعات بیجا در مردم میگردد، نامیدند.

اگر در بستر تبلیغات جهنمی امپریالیستی و ثمنت تاثیر آن حتی برخی از کسانی که روندهای اقتصادی در ایران را نه حاصل قانونمندیهای حاکم بهر سیستم سرمایه‌داری وابسته‌ای که بحران سراپایش را فراگرفته بلکه صرفا نتیجه بی‌برنامه‌گی‌ها، حماقت‌ها و ناتوانی‌های "آخوندهای کودن" میدانستند، بر تحلیل‌های انحرافی خویش پای نهاده و آنان نیز رفسنجانی را بیانگسرتان قدرتی تلقی نمودند که از فرار وسیله نجات از اوضاع فلاکت‌بار کنونی را در دست دارد. بردهمداران رژیم و از جمله خود رفسنجانی در وحشت از رشد روزافزون توقعات مردم بر اثر این تبلیغات، در اینجا و آنجا به رفع و رجوع مسئله پرداخته و از طولانی بودن پیرویه حل مشکلات و فسیروت سفت کردن بازهم بیشتر گم‌بیندها سخن گفتند.

اما علیرغم همه این تبلیغات فریبکارانه، چه روند زندگی و واقعیت‌های عینی موجود در جامعه و چه نگاهی به برنامه ۵ ساله دولت رفسنجانی بروشنی نشان میدهد که تبلیغات دشمن تا چه حد بی‌اساس و ریاکارانه بوده و تنها برای فریب توده‌های سازمان یافته است که پس از دهسال

### مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

بخش بزرگی از درآمدهای دولت از طریق ارز حاصل از فروش نفت تامین میشود ولی میدانیم که بدلیل رکود موجود در اقتصاد جهانی و اشباع بازار جهانی نفت، حجم تولید و بهای فروش نفت نسبت به گذشته شدیداً تنزل یافته تا جایی که کارشناسان اقتصادی درآمد رژیم از این طریق را حدود سالی ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار ارزیابی میکنند. حال با توجه باینکه تراسان اولویت برنامه فوق بخش مهمی از این درآمد باید صرف خرید اسلحه و "بازسازی" نیروهای سرکوبگر رژیم گردد میتوان بخوبی دریافت که دولت رفسنجانی چگونه اخاذی از توده‌ها و افزایش مالیات‌ها را برای کسب درآمد در مقابل خود قرار داده و همچون سالهای گذشته به آن به مثابه یکی از منابع مالیاتی که باید بخش مهمی از کمبودهای او را جبران نماید مینگرد. بنبینیم برنامه ۵ ساله دولت رفسنجانی در این زمینه چه میگوید.

بر اساس برنامه مزبور: "رشد درآمد دولت از محاسبات مالیات در طول برنامه ۵ ساله معادل ۲۱/۸ درصد در سال پیش بینی شده است" باین ترتیب روشن میشود که دولت رفسنجانی نه تنها همچون دولت موسوی غارت و چپاول توده‌ها را هدف خود قرار داده بلکه قصد دارد به این چپاول ابعاد هرچه وسیعتری نیز ببخشد. اگر توده‌های ستمدیده مادرانهای اخیر بنا پوست و گوشت خود نتایج باج گیریها و اخاذیهای دولت موسوی را لمس کرده و زیر بار این تاراج و هشیانسه کمر خم کرده‌اند، دولت رفسنجانی قصد دارد با افزایش سالانه ۲۱/۸ درصد به مالیات‌ها این چپاول را با حدت و شدت بیشتری ادامه داده و شرایط هرچه دشوارتری را برای آنها بوجود آورد. اگر توده‌های ما تا دیروز "بدون برنامه" توسط دولت موسوی غارت میشدند از امروز آنها با دولتی مواجه‌اند که از قرار برای چپاولشان برنامه‌ریزی درازمدت هم کرده است.

برای اینکه تفاوت برنامه دولت رفسنجانی با اخاذیهای دولت قبلی روشن تر گردد بهتر است به سخنان مرتضی الیوری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس رجوع کنیم که میگوید: "سبز و مصلح مالیاتی کشور در سال گذشته حدود ۱۰۰ میلیارد تومان بود که مقدار آن در سال ۱۳۷۲ به ۳۳۰ میلیارد تومان خواهد رسید یعنی تقریباً سه برابر افزایش خواهد یافت" یعنی پس در ۵ سال آینده مالیات‌ها سه برابر میشود، یعنی غارت دسترنج توده‌ها سه برابر افزایش خواهد یافت و این واقعیت روشنتر از هر شعاری ماهیت غارتگرانه برنامه ۵ ساله دولت رفسنجانی را آشکار میسازد. آنهم در شرایطی که حتی خلغالی خلاد نیز در مجلس اعتراف میکنند که از سرمایه‌داران مالیاتی گرفته نمیشود و میگوید: "یک عده تاجر بوالهوس و احتکارچی که قبلاً اسفهان ثابت پارسا، القانین و هژیر بود حالا به حاجی تقی و حاجی تقی و حاجی حسین تبدیل شده است، چنین وضعیتی بوجود آمده است. آیا این افراد یک‌ثانی به دولت مالیات دادند؟ یا از این افراد مالیات گرفته شد؟" این سخنان روشنتر از هر ادعای معلوم میکند چه کسانی تاکنون بار مالیات‌های گزاف و کمر شکن را بر دوش کشیده و از این به بعد نیز باید زیر این بار کمر

این اقدام خرد مردمی میگوید: "ما باید بخشی از امکانات کشور را که میبایست صرف امور اقتصادی و عمرانی و رفاه مردم میشد را حتماً صرف نیرومند کردن ارتش و نیروهای نظامی بکنیم زیرا احتمال جنگ وجود دارد" بدون اینکه بخواهیم به توجهات فریبکارانه رفسنجانی بپردازیم تنها باید تاکید نمود که "تقویت بنیه دفاعی" جمهوری اسلامی یعنی تخصیص بخش مهمی از امکانات کشور برای رشد و گسترش باز هم بیشتر ماشین سرکوب این رژیم، آنهم در شرایطی که منابع درآمد رژیم با محدودیت‌های فراوانی مواجه میباشد و ارز حاصل از فروش نفت شدیداً کاهش یافته، بروشنی نشان میدهد که دیگر امکانات زیادی برای تحقق بنیه بندهای این برنامه حتی در چهارچوب ادعای گاذب مبلغینش نیز باقی نمیماند. به همین دلیل هم هست که برنامه نویسان جمهوری اسلامی از ضرورت کاهش هزینه‌های دولت سخن میگویند و بر اساس این برنامه قصد دارند هزینه‌های دولت را به نسبت تولید ناخالص ملی از ۱۸/۶ درصد در سال ۶۷ به ۱۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش دهند اما کاهش هزینه‌های دولت در حدود ۵٪ به نسبت تولید ناخالص ملی آنهم در شرایطی که رشد جمعیت بر اساس آمار رسمی سالانه بیش از ۲٪ بوده و در عین حال رسماً از تقویت هرچه بیشتر نیروهای نظامی سخن گفته میشود چه مفهومی جز این دارد که باید دیگر هزینه‌های دولت در سطح وسیعی کاهش یابد؟

اما هزینه‌های دولت به جز مخارج نیروهای نظامی سرکوبگر شامل راه اندازی بوروکراسی عریض و طویل رژیم و مخارجی است که صرفاً امور آموزشی و بهداشتی و غیره و در یک کلام امور اجتماعی و عمرانی میگردد.

حال با توجه به اینکه رژیم به بوروکراسی عریض و طویل موجود جهت حفظ سلطه خود و پیشبرد برنامه‌هایش نیاز داشته و اساساً نظام سرمایه‌داری وابسته بدون چنین دستگاه عریض و طویلی امور اتش نمیگذرد، در نتیجه نمیتوان از بودجه لازم برای این منظور به مقدار زیادی کم نمود، پس کاهش هزینه‌های دولت در ۵ سال آینده عمدتاً شامل این قسمت نخواهد شد، بخشی که بنا به آمار خود رژیم ۹۰٪ از هزینه‌های جاری دولت در سال ۶۶ را حقوق و مزایای کارکنان همین بوروکراسی تشکیل میداده است.

بنابراین پرواضح است که وقتی از صرفه‌جویی در هزینه‌های دولتی و از کاهش این هزینه‌ها سخن بمیان میآید سرمداران رژیم از آن جز کاهش بودجه آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، امور عمرانی و سوبسیدها منظور دیگری نمیتوانند داشته باشند، ولی این واقعیت چه مفهومی جز تداوم وضع موجود و با توجه به رشد جمعیت و رشد تورم حتی وضعی بمزاتب بدتر از وضع موجود در بردارد؟

از طرف دیگر اگر تحقق هر برنامه اقتصادی مشروط به وجود امکانات عینی مشخصی است باید دید جمهوری اسلامی قصد دارد بودجه ۹۰ میلیارد دلاری برنامه ۵ ساله خود یعنی بطور متوسط سالی ۱۸ میلیارد دلار را چگونه تامین نماید؟

با توجه به اقتصاد شک محصولی ایران واضح است که

ایجاد خواهد کرد.

برای اینکه گوشه‌ای از این شرایط باز شناخته شود، به نمونه وعده‌های دولت رفسنجانی در مورد بیکاری که یکی از معضلات جامعه ماست اشاره میکنیم.

دولت رفسنجانی مدعی است که با سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و پتروشیمی و برق و غیره شغل‌های جدیدی بوجود خواهد آورد و با بیکاری مبارزه کرده و آنرا کاهش خواهد داد، اما در بهترین حالت براساس خود برنامه ۵ ساله که رژیم روی آن تبلیغ میکند، حداکثر قرار است سالی ۴۰۰ هزار شغل جدید ایجاد گردد و این در شرایطی است که خود مطبوعات رژیم از وجود ۵ میلیون بیکار در ایران سخن میگویند، بنابراین بفرض آنکه ادعاهای دولت رفسنجانی را عملی تلقی کنیم معلوم میشود که اگر رفسنجانی تماما موفق به پیشبرد برنامه خود گردد، باز هم حداکثر در طول ۵ سال آینده حداکثر ۲ میلیون نفر به سر کار خواهند رفت یعنی باز هم ۳ میلیون نفر بیکار خواهند ماند حال دیگر لازم نیست که ما با توجه به رشد بیش از سه درصدی جمعیت نشان دهیم که سالانه چند هزار نفر جوانی که به ارزش ۵ میلیون بیکاران اضافه میشود تا روشن گردد که حتی در صورتیکه سالی حدود ۴۰۰ هزار شغل جدید هم بوجود آید باز ارتش ۵ میلیونی بیکاران در جستجوی کار و تهیه لقمه نانی برای سیر کردن شکم خود و فرزندان شان با پرها خواهد بود؛ بنابراین لازم نیست تاکید شود که شعار مبارزه با بیکاری رفسنجانی شعاری بچ و بی‌محتوی بیش نمیباشد! آیا خود این نمونه سیمای واقعی برنامه ۵ ساله جمهوری اسلامی را در مقابل دید همگان قرار نمیدهد و نشان نمیدهد که برنامه ۵ ساله رفسنجانی برنامه‌اشی است که دولت طی آن قصد دارد در بهترین حالت وضع فلاکت‌بار موجود را حفظ نماید؟ و آیا چنین برنامه‌اشی با توجه به کاهش هزینه‌های عمرانی و اجتماعی و بجای آن تقویت نیروهای سرکوبگر رژیم و چپاول هرچه بیشتر توده‌ها، در عمل شرایط باز هم دهشتناکتری را بر توده‌ها تحمیل نخواهد کرد؟!

محتوای برنامه ۵ ساله گواهی است بر اینکه رفسنجانی برنامه‌اشی برای ایجاد تغییر مهمی در شرایط موجود نداشته و علیرغم همه ادعاهای فریبکارانه‌اش در طی زمانمداری وی تورم و گرانی و بیکاری و استثمار وحشیانه کارگران هم چنان مداوم بافته و توده‌ها در ۵ سال آینده نه تنها با "ارزانی و فراوانی" مواجه نخواهند بود بلکه بار مشکلات بیشتر و مراراتها و سختیهای بیشتری بر دوش آنها تحمیل خواهد گشت، واقیعتی که بار دیگر بروشنی نشان میدهد در چهارچوب رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هیچ راه نجاتی برای توده‌های ستمدیده وجود نداشته و تنها راه نجات، همانا مبارزه در جهت نابودی این رژیم ددمنش و سلطه اربابان امپریالیست‌اش برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر میباشد.

خام کنند و نشان میدهد طبق سالهای قبل باز هم با مالیاتها بر دوش کارگران و کارمندان و خلاصه حقوق بگیران میباشد که دولت میتواند براحتمالیتهای مورد نظر خود را از حقوق آنها کسر نماید در این زمینه خود مطبوعات رژیم اعتراف میکنند: "تنها قشر حقوق بگیر است که مالیات وضع شده را بطور کامل میپردازد و آنهم بدلیل اینست که دولت میتواند سطح درآمد حقوق بگیران را بطور کامل کنترل کند و حقوق بگیر قبل از اینکه حقوقش را دریافت کند مالیات از او کسر میشود"

بنابر آنچه گفته شد، آنچه واضح است اینست که بالا بردن درآمد دولت از طریق افزایش مالیاتها، برای تامین بودجه مورد نیاز دولت که بخش اعظم آن صرف تقویت نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی خواهد گشت که هیچ وظیفه‌ای جز سرکوب انقلاب برای حفظ و حراست از نظام ظالمانه موجود بر عهده ندارند، جوهر اساسی برنامه ۵ ساله دولت رفسنجانی را تشکیل میدهد، برنامه‌ای که رژیم مدعی است با تحقق آن کسری بودجه دولت بر طرف شده و تورم کاهش خواهد یافت. برای اینکه ماهیت این ادعا نیز هرچه بیشتر روشن گردد بهتر است به توضیحات رنجانی وزیر برنامه و بودجه سابق رژیم توجه کنیم او میگوید: "به علت شرایطی که در ده سال گذشته در کشور وجود داشته است نقدینگی افزایش یافت و ما برای حل این مشکل، کاهش کسری بودجه را پیشنهاد کرده ایم و این روند ادامه خواهد یافت و از ۱۲۵۰ میلیارد ریال در سال ۶۸ به میزان ۱۵۹ میلیارد ریال در سال ۷۲ کاهش خواهد یافت" مفهوم سخنان وزیر سابق برنامه و بودجه جمهوری اسلامی را زمانی بهتر میتوان درک نمود که ببینیم آورییم کسری بودجه برنامه ۵ ساله ۹۰ میلیارد دلار یعنی سالی حدود ۱۸ میلیارد دلار میباشد و دولت در سال ۶۸ با کسری بودجه ۱۲۵۰ میلیارد ریال مواجه است، در نتیجه حتی اگر بپذیریم که این برنامه قصد دارد کسری بودجه دولتی را بتدریج تخفیف دهد اما میدانیم که درآمد دولت از فروش نفت حدود ۱۲ میلیارد دلار در سال ارزیابی شده و صادرات غیره نفتی نیز در خوشبینانه‌ترین حالت درآمدی حدود یک میلیارد دلار نصیب او خواهد کرد در نتیجه بفرض اینکه سالی ۱۲ میلیارد دلار از فروش نفت بدست آید دولت رفسنجانی سالی ۵ میلیارد دلار باید از طرق دیگری درآمد کسب کند و البته روشن است که درآمدهای مالیاتی نیز تنها میتواند بخشی از این مقدار را تامین کند در نتیجه کسری بودجه ذاتی برنامه ۵ ساله بوده و راهی جز استقراض خارجی و یا چاپ اسکناس بدون پشتوانه یعنی اموری که تاکنون نیز انجام شده است در مقابل رفسنجانی وجود ندارد، راه‌هایی که از قبل نیز نتایج فاجعه‌بارش آشکار میباشد، به همین دلیل است که باید با قاطعیت اعلام داشت که حل مسئله کسری بودجه در طی برنامه پنجم رفسنجانی و مبارزه با تورم فریبی بیش نیست و سیمای واقعی این برنامه از پیش روشن میکند که از دولت رفسنجانی نه تنها برای درمان دردهای نا علاج نظام حاکم "معجزه" ای ساخته نیست، بلکه پیشبرد برنامه مذکور شرایط دهشتناکتری برای توده‌ها



# وقتی که حزب دمکرات معلم سوسیالیسم می شود!

از صفحه ۱

بیشک این واقعیت که معلم دمکراسی عدن و " ترمینت دمکراسی " تا کنون برای حزب دمکرات جز رسوائی برای وی ببار نیاورده است و جای تردیدی باقی نمیگذارد که از آموزشهای به اصطلاح سوسیالیستی او نیز جز آبرو باختگی بیشتر نصیب وی نخواهند شد و همانطور که اعمال غیردمکراتیک این رهبری بطور روزمره واقعیت آن "دمکراسی" ادعائی را در مقابل دید همگان قرار ندهد و تبلیغات با اصطلاح سوسیالیستی اخیر نیز ماهیت سوسیالیسم کاذب و رنگ و رو باخته اش را بار دیگر باروشنی بیشتری در مقابل توده ها قرار داده و رسوائی بیشتری برای او به بار خواهد آورد .

اگر در گذشته رهبری حزب دمکرات با توسل به مبتذل ترین شیوه ها و وسائل سعی در تخطئه سازمانهای انقلابی ایران داشت و با بخششهای مختلف و علم کردن دارو بسته های ضدانقلابی بعنوان جریان های واقع بین و جدی "پب" میگوید انمان مردم کردستان و بویریهی همسرگان حزب دمکرات را نسبت به سازمانهای انقلابی مخدوم سازد؛ امروز کار وقاحت را به آنجا رسانده است که با توجه به رشده بحران در کشورهای با اصطلاح سوسیالیستی و در زمینه بحران در جنبش انقلابی ایران سازمانهای انقلابی را به "تجدیدنظرس جدی و ریشهائی" از اصول و مواضع انقلابی و برنامه های مبارزاتی فرا میخواند که یکی از آخرین نمونه های این تبلیغات ببحرمانه نرج مقاله ای است در کردستان شماره ۱۴۸ ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات تحت عنوان " بحران در سازمانهای چپ گرا " . نگاهی هرچند کوتاه به این مقاله در حالیکه بروشنی گویای غالی بودن چنده رهبران حزب دمکرات نسبت به مفاهیم سوسیالیسم علمی میباشد در همان حال وقاحت این رهبری در برخورد با کمونیسم و کمونیستهارا نیز با وضوح بیشتری آشکار میسازد .

حزب دمکرات همصدا با تبلیغات امپریالیستهای و فریبکارانی که با استناد به اوضاع چین و شوروی قصد تخطئه کمونیسم و مارکسیسم - لنینیسم را نارنده رویزیونیسم رسوائی حاکم بر این کشورها را به جای مارکسیسم - لنینیسم واقعی به خوانندگان خود قالب کرده و سپس با استناد به آن به رد سوسیالیسم و کمونیزم می نشینند و به این وسیله نشان میدهند که چگونه به جاده مانکن تبلیغات ضدانقلابی تبدیل گردیده است . این شیوه تبلیغ بر علیه مارکسیسم - لنینیسم و کمونیزم البته چیز تازه ای نیست . چرا که از زمان غلبه رویزیونیسم بر حزب کمونیست شوروی و تبلیغات رویزیونیستهای رنگارنگ بر علیه مارکسیسم - لنینیسم استناد به تبلیغات و عملکردهای ضد مارکسیستی رویزیونیستها برای تخطئه کمونیسم به شیوه رایج تبلیغات بورژوائی تبدیل شده است .

از زمان غلبه رویزیونیسم بر حزب کمونیست شوروی و تبلیغات رویزیونیستهای رنگارنگ بر علیه مارکسیسم - لنینیسم استناد به تبلیغات و عملکردهای ضد مارکسیستی رویزیونیستها برای تخطئه کمونیسم به شیوه رایج تبلیغات بورژوائی تبدیل شده است .

فریبکارانهای که احزاب مترد و رویزیونیستی را به جای احزاب کمونیست جا زده و این واقعیت که احزاب مورد استناد سالهاست " با تجدید نظر ریشه ای " در اصول انقلابی مارکسیسم - لنینیسم این تئوری انقلابی را به کناری گذاشته و به رویزیونیستهای تبدیل گردیده اند که اعمالشان دلیلی بر نادرستی این تئوری نمیباشد را از توده ها کتمان مینمایند. همانطور که اعمال و نظرات احزابی همچون حزب توده در ایران ربطی به مارکسیسم و کمونیزم نداشته و ندارد . ولی همانگونه که همواره با استناد به خیانتها و جنایتهای حزب توده - و در حال اخیر دو قلموهای اکثریتی - ما شاهد سیل تبلیغات ضد کمونیستی بر علیه کمونیزم بوده و هستیم در سطح جهان نیز با استناد به عملکردهای ضد مارکسیستی احزاب حاکم بر چین و شوروی کارزار تبلیغاتی وسیعی بر علیه کمونیزم سازمان یافته است که حزب دمکرات با توسل به جنبش تبلیغاتی نشان میدهد قصد دارد در این کارزار ضد کمونیستی نیز در حد توان خود و البته به شیوه خود نقشی ایفا نماید .

خود، به دمکراسی روی آورند. گوئی از لحاظ تشبیهی مارکسیستی و در نزد کمونیستهایی که دچار اپورتونیسمز م نگشته اند " شیوه های بوروکراتیک " در داخل احزاب واقعا کمونیستی تاکنون امری پسندیده و نیکو بوده است و آنقدر کمونیستها باین مسائل بی توجه بوده اند که لازم شده است از میان رویزیونیستها آقای گوریباچف پیدای شود و بنا به مذاق برآوردن زندگی " پروستریکا " و " گلاسنوست " آنها را بیساز مزایای دمکراسی در درون سازمانهای خود و در سطح جامعه بیندازد و مثل اینکه یکی از دلائل مرزبندی مارکسیست - لنینیستها با اپورتونیستها و رویزیونیستها همین تاکید بر " موازین " دمکراتیک در زندگی تشکیلاتی و در سطح جامعه نبوده و نمیباید، که همواره به بدترین شکلی از سوی آنها انکار گردیده است.

مقاله نویسنده حزب دمکرات در ادامه این امر از گوئی، بیاسا روحیه تمام مینویسد: " هنگامیکه در روابط درون سازمانی از دمکراسی خبری نیست، چگونه میتوان انتظار داشت که چنین سازمانی در جامعه هوادار استقرار آزادیهای دمکراتیک باشد؟ " خوب برآستی اگر رهبری حزب دمکرات حداقل در همین سخنان خود مادی باشد آنگاه آیا نمیبایست به همان رهنمودی عمل نماید که خود در مقابل رهبران خائن حزب بوده قرار داده و از آنها میخواهد که: " نخستین عملشان بایستد انتقاد از خود و کنارگیری از رهبری این حزب باشد "

بلی! حزبی که در این سالها به بدترین شکلی دمکراسی را در روابط درونی و بیرونی و بیرونی اش لگدمال نموده است و در رابطه اش با توده ها و سازمانهای انقلابی بروشنی نشان داده است که تا چه اندازه به دمکراسی پای بند و متعهد میباشد، و به جای رعایت اصول دمکراسی، ضرب و جرح پیشمرگان سازمانهای مختلف، اعدام پیشمرگان خلق کرد و تداوم درگیری مسلحانه با سازمانهای کومله و حزب دمکرات " رهبری انقلابی " را به جزئی از برنامه خود تبدیل کرده، دیگر رسوا تراز آن است که به کسوت معلم دموکراسی درآید.

بلی! حزبی که در این سالها به بدترین شکلی دمکراسی را در روابط درونی و بیرونی اش لگدمال نموده است و در رابطه اش با توده ها و سازمانهای انقلابی بروشنی نشان داده است که تا چه اندازه به دمکراسی پای بند و متعهد میباشد، و به جای رعایت اصول دمکراسی، ضرب و جرح پیشمرگان سازمانهای مختلف، اعدام پیشمرگان خلق کرد و تداوم درگیری مسلحانه با سازمانهای کومله و حزب دمکرات " رهبری انقلابی " را به جزئی از برنامه خود تبدیل کرده، دیگر

اگر چه این دیگر امر روشنی است که همانطور که تبلیغ بر علیه مارکسیسم - لنینیسم و کمونیسم در ایران با استناد به عملکردهای خائنانه حزب توده و اکثریت بیانگر رسوائی هرآن کس و نیروئی است که در این راه گام میگذارد. در سطح جهانی نیز تبلیغ بر علیه سوسیالیسم و کمونیسم با توسل به عملکردهای احزاب حاکم بر چین و شوروی و دیگر همپالگهایشان حاصلی جز این نخواهد داشت؛ و بدون اینکه بخواهیم تاثیرات سو\* این تبلیغات را چه در ایران و چه در سطح جهانی نادیده و یا انکار نمائیم و با علم به اینکه چنین تبلیغاتی با اغاعه توهمات گوناگون نسبت به کمونیسم در میان بخشی از توده ها به مراحل تاثیرات مغرب خاص خود را در بر خواهد داشت، باید تاکید کنیم که تبلیغات مزبور بدلیل فریبکارانه بودنش فاقد هرگونه ارزش علمی بوده و بدون شك در بستر يك حرکت اصلاح انقلابی و رشد آگاهی توده ها، خود به عاملی بر علیه مبلغین آن تبلیغات گمراه - کننده تبدیل خواهد شد.

در چارچوب اغاعه چنان تبلیغاتی است که مقاله نویسنده حزب دمکرات با استناد به " تحول انقلابی " ای که به قول خودش در " اتحاد شوروی، چین و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی انجام گرفته و یا در عرف انجام است " منعفی میشود که این تغییرات ضرورت یک " تجدید نظر جدی و رسدای "

در برداشت از مسائل مختلف را " در برابر همه سازمانهای مارکسیستی " قرار داده است، که از جمله آنها تجدید نظر در " موازین تشکیلاتی و پیاده کردن دمکراسی درون حزبی و کاستن از سانترالیزم و کنار گذاشتن شیوه های بوروکراتیک و پلیسی در داخل حزب " میباشد.

بله، حزب دمکرات برای کمونیستها بمثابه بدگترین طرفداران دمکراسی نسخه میبچد که باید در موازین تشکیلاتی خود تجدید نظر کرده و با " کاستن از سانترالیزم و کنار گذاشتن شیوه های بوروکراتیک و پلیسی در داخل " سازمانهای

استالین " داد سخن داده و اعتقاد به آثار استالین را به عنوان کفر ابلیس و نشانه‌ای از عدم اعتقاد به دمکراسی قلمداد نموده و در رابطه با سازمان ما بنویسد: " گروه چریکهای "عرفی" راه خود را روشن ساخته است. این گروه کوچک به حرکت خود در کوره راه استالینیزم ادامه میدهد و درست‌هنگامیکه در اتحاد شوروی مهاد دگرگونیهایی انقلابی<sup>(۱)</sup> و مدارک انکارناپذیر محکومیت استالین و افدای جنایتهای او هستیم، دریهائی از " اصول لنینیزم " نوشته استالین را از رانیهی خود، که مانند اکثر رانیههای این گروهها گوینده بیشتر دارد تا نموده به خیال خود برای طبقه کارگر ایران بازگو میکنند. "

اگر سازمان ما از دیکتاتوری پرولتاریا در دوران سلطنتان سوسیالیسم در شوروی تحت رهبری حزب کمونیست شوروی دفاع کرده و استالین را بمنابہ یکی از رهبران کبیر طبقه کارگر میشناسد و علمبرغم تمامی انتقاداتی که به اشتباهات حزب کمونیست شوروی در این سالها دارد، تحت تاثیر تبلیغات کینه توزانه امپریالیزم جهانی و رومیزیونیهستهای حاکم بر به اصطلاح کفوهای سوسیالیستی و انواع و اقسام گروهها بر علیه استالین - و در حقیقت طبقه کارگر شوروی در سالهای اعمال دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم بمنسی سالهایی که طبقه کارگر در جهت تحقق عملی سوسیالیسم گام برمیداشت - قرار نگرفته و نمیگیرد، و هنوز هم " اصول لنینیزم " را راهنمای حرکت طبقه کارگر ایران میدانند؟ این امر اتفاقا بیانگر و نشانه‌ای از پاپبندی امر به مارکسیزم - لنینیزم و به ضرورت اعمال دیکتاتوری پرولتاریا برای ساختمان سوسیالیسم میباشد که با افتخار باید بر آن تاکید نمود. امری که برای امثال حزب دمکرات به دلیل

رسواتر از آن است که به کسوت معلم دموکراسی در آید. براساسی در هر زمینه‌ای که اعمال و رفتار رهبری حزب دمکرات را در این سالها مورد توجه و بررسی قرار دهیم با پرونده‌ای مشحون از نقض عمید دمکراسی و پاپمال نمودن حقوق دمکراتیک دیگران مواجه میشویم. حزبی که به خاطر گرفتن مالیات از توده‌های ستمدیده خلق کرد به ضرب و شتم آنان میبرد و برای مبارزه مسلحانه نیروهای انقلابی بر علیه جمهوری اسلامی در این منطقه خواهان " تاقیدیه " مانده از سوی خودش میگردد. حال از دمکراسی و استقرار آزادیهای دمکراتیک نم. میزند و حصا اعلام بهشمر که جناح اشغالین از خودش نیز جلوای از این دمکراسی ادعائی و اعتقاد به آزادیهای دمکراتیک میباشد؟ و یا اعدام اسرای کومله حتما بر اساس " موازین " دمکراتیک مورد اعتقاد این رهبری سازمان یافته و میباشد؟ اگر رهبران حزب دمکرات صداقت داشتند آنگاه در شرایطی که هنوز مدت زمان زیادی از انشعاب بخش بزرگی از رهبری و بدنه این حزب - آنهم از جمله بدلیل فقدان دمکراسی در درون این حزب و اعمال نظریات قلدرا مانده این رهبری - نمی‌گذرد، اینقدر با " روحیه " تمام نم از دمکراسی آنهم در روابط درونیشان نمزدند و برای دیگران نسخه " تجدید نظر ریشه ای " نمی‌پوشیدند. اگر آنها نره ای " شجاعت " داشتند قبل از هر چیز وظیفه داشتند به دلیل وضع اسفناگیزی که در آن قرار گرفته اند، به بندیدند و قبل از هر چیز به جای با اصطلاح درمان بحران " سازمانهای چپ گرا " فکری به حال دریهای بهشمار خود میکردند که اتفاقا از جمله به دلیل سیاستهای همین رهبری، حزب دمکرات را فرا گرفته است. حزبی که " دیکتاتوری دیبرکل " را به جای سانترالیزم دمکراتیک قرار داده و بوروکراسی آنچنان روابط او را احاطه کرده که بوی تعفن ابر همه جا را فرا گرفته و در روابط با سازمانهای مختلف جمعی و تفنگ را حاکم ساخته، دیگر نمیتواند و صلاحیت ندارد که از سانترالیزم دمکراتیک سخن گفته و به دیگران درس " کاستن از سانترالیزم " دهد و قبحانه تر از آن از دیکتاتوری استالین و " قدرت طلبی

۱- برکی پوشیده نیست که افشاگری بر علیه استالین امری نیست که به " دگرگونیهایی انقلابی " اخیر در شوروی مربوط شود. چرا که این امر حدود ۳۰ سال پیش بوسیله خروشچفسک سازمان یافت و آنچه در این سالها گفته شده است و بسیار سالهای اخیر در شوروی مجددا مطرح میگردد چیزی جز ترداد همان خط نبوده و نمیباعد.

**زنده باد خلق رزمنده کرده برای آزادی میبند**

بقه می‌درانند، گواهی است بر این واقعیت که دیکتاتور  
پرولتاریا میلیونها بار دمکراتیک تر از هر آنگونه  
"دمکراسی" است که چنین نیروهای مبلغ آندند .  
و قتیکه ما می‌گوئیم تبلیغات فریبکارانه امثال حزب  
دمکرات بر علیه استالین و احاطه هیستری ضد استالینی در  
حقیقت نام مستعاری است برای انکار سوسیالیسم علمی و  
مارکسیسم - لنینیسم و لایوفاشی ماهیت واقعی - یمنسی  
بورژوازی - دمکراسی ادعائشان و بی‌آب و تاب می‌گوئیم که  
"مزه" هائی از این قبیل که کمونیستهای ایرانی مارکسیسم  
و اصول اعتقادی خود را از "نوعه‌های مارکس" بلکه  
اکثرا از "تفسیرهای استالین از این نوشته‌ها" کسب  
کرده‌اند، چاشنی بی‌مزه آن تبلیغات فریبکارانه می‌باشد.

در مورد حزب دمکرات نیز با توجه و تاکید بر اعمال غیر دمکراتیکش باید گفت  
هیستری ضد استالینی رهبری این حزب بر خلاف ادعاهایش حتی از احسانات خام دمکراتیک  
نیز نشأت نگرفته بلکه از این واقعیت ناشی میشود که بر بیزق ساختمان سوسیالیسم  
در دوران استالین نابودی همه استثمارگران و محور تدریجی همه زمینه‌های مادی  
موجودیت و رشد آنها حکم گردیده بود.

رهبری حزب دمکرات روتبر کرده و با قیافه‌اش حق به جانب  
فریاد بر می‌آورد که دیدید گفتیم اینها "استالینیست" هستند  
و هنوز در "کوره راه استالینیسم" گام برمیدارند؟! و لسی  
کافیست بی اعتنا به این "جز و فزع" های زیبونا  
به واقعیت کارزار ضد کلگری و ضد کمونیستی حزب دمکرات و  
امثالهم توجه نمائیم که علیرغم تمامی تاثیرات مخرب خود  
مفتضح تر از آن می‌باشد که کوتاه اندیشان میانندیشند، کسانی  
که در لباس دفاع از دمکراسی از نقش دمکراسی در دوران  
استالین ناد سخن می‌دهند نشان ندهاند که چگونه در اعمال  
دیکتاتوری بر علیه توده‌ها بد طولانی ناعته و هر روز و هر ساعت  
در گوشه و کنار جهان، دستشان به خون هزاران انسان آلوده  
می‌شود و اساسا بدون اعمال دیکتاتوری و قهر و خفونت بر علیه  
توده‌های ستم‌دیده اموراتشان نمی‌گذرد. کسانی هم که هنوز بقدرت  
نرسیده در همان قطعه زمینی که بر اثر قیام توده‌ها بدستان  
افتاد خود را صاحب اختیار توده‌ها تلقی کرده و فجایعی  
آفرینند که فراموش نمیشود است و در مناسبات درون سازمانشان  
آنچنان دمکراسی را به مسخره گرفتند که حتی در کنگره‌های  
حزبی شان آقای دبیر کل با قهر کردن و ترک جلسه اقلیت را

ماهیت طبقاتی‌شان قابل فهم و درک نمی‌باشد و یا شاید بهتر  
باشد بگوئیم که آگاهانه از فهم آن‌ها غالی میکنند تا  
بهتر بتوانند ضمیمت‌شان با پرولتاریا و اعمال دیکتاتوری  
این طبقه بر علیه بورژوازی را زهر لاف‌ها هیستری ضد استالینی  
لایوفاشی نمایند .

تبلیغات کیده‌توزانه بر علیه استالین که در حقیقت  
تم اصلی تبلیغات غرب بر علیه کمونیسم میباشد همانا نام  
مستعاری است برای کوبیدن دیکتاتوری پرولتاریا و کمونیسم  
و مارکسیسم - لنینیسم بمثابه تئوری‌ای که الفای تمامسی  
طبقات و بهره‌کشی انسان از انسان، از طریق نابودی مالکیت  
خصوصی بر وسائل تولید را در صدر برنامه‌های خود قرار داده

است . در مورد حزب دمکرات نیز با توجه و تاکید بر اعمال  
غیر دمکراتیکش باید گفت هیستری ضد استالینی رهبری این  
حزب بر خلاف ادعاهایش حتی از احسانات خام دمکراتیک نیز نشأت  
نگرفته بلکه از این واقعیت ناشی میشود که بر رهبری ساختمان سوسیالیسم  
در دوران استالین نابودی همه استثمارگران و محور تدریجی همه  
زمینه‌های مادی موجودیت و رشد آنها حکم گردیده است و  
واقعیتی که نه فقط رهبری حزب دمکرات بلکه در سطح جهان  
همه نیروها و گرایشات مخالف کمونیسم و دیکتاتوری  
پرولتاریا را خشمگین ساخته است . اگر دیکتاتوری پرولتاریا  
برای ساختمان سوسیالیسم و رسیدن به جامعه بی طبقه کمونیستی  
لازم و حیاتی است، هیستری ضد استالینی می‌کوشد با برجسته  
کردن تمامی اشتباهات اولین تجربه ساختمان سوسیالیسم و  
تمرکز تبلیغات روی بعضی استالین و ستاوردنهای طبقه کارگر  
را کم رنگ و بی اهمیت ساخته و به این وسیله کمونیسم را  
در نود توده‌ها و کارگران سراسر جهان بی اعتبار نماید .  
امری که زمینه‌های طبقاتی واضح و روشن خود را ناروا  
تنها مقایسه‌ای بین ستاوردنهای طبقه کارگر - و نه تنها  
طبقه کارگر - در دوران دیکتاتوری پرولتاریا در غیرومی بسا  
آنچه آنان به نام "دمکراسی" تبلیغ می‌کنند و در دفاع از آن



ریا کارانه‌ای بیش نیست. امری که حزب دموکرات نشان داده است مهارت زیادی در اعمال آن دارد.

امثال حزب دمکرات با توسل به تبلیغات قوی الذکر به چشم توده‌ها خاک پا عبیده و ماهیت واقعی "دموکراسی" مورد انعاشی خود و "دولت" ایده آل خیالی‌شان را از آنها کتمان میکنند و به این توهم نا من می‌زنند که از قرار "دولت" مورد نظر آنان چیزی

به اکثریت تبدیل می‌کرده بخوبی ماهیت تبلیغات خود بر علیه دیکتاتوری پرولتاریا را بر ملا ساخته اند. هم از اینروست که اگر رنگ ولعابه‌های کاذب دموکرات پنهانی حزب دمکرات کنار گذاشته شود، همگان و بخصوص مردم کرستان و پیشمرگان خود این حزب به عینده خواهند دید که هیستری خدا ستالینی "رهبری" این حزب به کس

تا زمانیکه طبقات مختلف وجود دارند، دموکراسی نیز امری طبقاتی بوده و تبلیغ "دموکراسی" بطور عام و بدون اینکه روشن گردد این دموکراسی برای کدام طبقه و در جهت منافع کیست، سالوسی ریاکارانه‌ای بیش نیست. امری که حزب دموکرات نشان داده است مهارت زیادی در اعمال آن دارد.

ما فوق طبقات بوده و ضرورتی برای اعمال دیکتاتوری ندارد و از دیکتاتوری بورژوائی نیز مجزا میباشد. در حالیکه همه واقعیات تاریخی اثبات نموده است که دولت - حتی در دمکراتیک ترین کشوری که حزب دمکرات تصورش را می‌کند - تنها ابزاری است برای سرکوب یک طبقه بر علیه طبقه دیگر و هیچ دولتی جز این نبوده و نیست. بنا بر این چنان تبلیغاتی جز لاپرومانی دیکتاتوری خشن بورژوائی و پوئانندن این دیکتاتوری در زوروی دمکراسی و جاودانه جلوه نادن آن و جز رد ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا بر علیه ستمگران و در نتیجه سنگ اندازی در مسیر پیروزی انقلاب ستمکشان هدف دیگری نداشته و نمی‌تواند داشته باشد.

ناشی از روحیه واقعا دموکراتیک و یا به انعاش آنها مخالفت با "دیکتاتوری" و "قدرت طلبی" استالینی و یا اعتقاد به سانترا لیس دموکراتیک بجای سانترا لیسم بوروکراتیک میباشد، بلکه از این واقعیت نجات نمی‌گیرد که این حزب همچون دیگر همبالگی‌های پیش همواره می‌کوشد با کتمان ماهیت واقعی دموکراسی بورژوائی که هیچ چیز نیست جز دیکتاتوری خشن بورژوائی برای حفظ کل نظام ستمگرانه سرمایه داری و ترس و وحشت خود را از مبارزه طبقاتی و پایان اجتناب ناپذیرش در این دوران، یعنی برقراری دیکتاتوری پرولتاریا برای رسیدن به جامعه بی طبقه را لاپرومانی نماید و می‌کوشد این حقیقت سانه را از نظر کتمان کند که تا زمانیکه طبقات مختلف وجود دارند، دموکراسی نیز امری طبقاتی بوده و تبلیغ "دموکراسی" بطور عام و بدون اینکه روشن گردد این دموکراسی برای کدام طبقه و در جهت منافع کیست، سالوسی

ادامه دارد

### با ما مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی" برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکشید. با مکاتبه با نشریه رابطه هرچه فعالتری با ما برقرار کنید، بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده‌ها و به مجموعه هوادارانیش متکی باشد.

## دانش آموزان در سال تحصیلی جدید

از صفحه ۴۰

بیسوادان مهبیونند و مجبورند بجای تحصیل جهت تهیه لقمه نانی به سخت ترین و موقت بارترین کارها روی بیاورند.

وقتی که گزارشات آماری خود جمهوری اسلامی حاکی از آنست که پنج میلیون کودک با اینکه به سن تحصیل رسیده اند، اما از راه یافتن بسواد کلاس های درس و امکان استفاده از مدرسه و معلم محروم شده واضح است که سرمدناران جمهوری اسلامی چه شرایط و حقتناکی بر جامعه حاکم ساخته و چگونه در راه تحصیل جوانان ماسنگ انگیزی مینمایند، اما اگر تحت این شرایط ۵ میلیون کودک امکان فراگیری علم و دانش را از دست داده اند، نگاهی به شرایط تحصیل کودکان و جوانانی که توانسته اند به مراحل پای به مدارس بگذارند نشان میدهد که بخش بزرگی از آنها نیز سرنوشت بهتری در پیش ندارند. برای درک این موضوع بهتر است به گوشه ای از مشکلاتی که دانش آموزان ما در سال تحصیلی جدید با آن مواجه اند بپردازیم.

دانش آموزان ما امسال نیز همچون سال گذشته در شرایطی پای به مدارس می گذارند که از بسیاری از امکانات تحصیلی محروم بوده و شرایط فراگیری علم و دانش هرچه بیشتر از آنان طلب گردیده است. عدم برخورداری از فضای آموزشی مناسب، بی بهره ماندن

از امکانات آزمایشگاهی و وسایل ورزشی و غیره از جمله مسائل و مشکلات دانش آموزان در سال تحصیلی جدید می باشد؛ بخصوص کمبود فضای آموزشی به آنچنان معضل بزرگی تبدیل شده که در حالیکه برخی از مدارس کشور بالاچاره در سه یا چهار هیئت مورد استفاده قرار می گیرند، باز محدودیت فضای آموزشی به نسبت تعداد زیاد دانش آموزان هر کلاس امکان تدریس معلمین و تحصیل محصلین را به شدت محدود نموده است. کاریه جایی رسیده است که خود مطبوعات رژیم گزارش می دهند که برای هر دانش آموز در جمهوری اسلامی تنها چند سانتی متر بلی تنها چند سانتی متر فضای آموزشی وجود دارد و از همینجا بروشنی می توان به عمق فاجعه ای که این رژیم ددمنش برای آموزش و پرورش جوانان ما ایجاد کرده است، پی برد. تازه از جنبه ای دیگر ابعاد این فاجعه زمانی بیشتر آشکار می شود که ببینیم دانش آموزان با وجود تحمل این نقیمه مهم باید بخشی از انرژی و وقت خود را صرف فراگیری دروسی نمایند که فاقد هرگونه محتوی علمی می باشد.

اگر تسلیروز در بخشی از نروس دانش آموزان، آموزش "اسلام ناب محمدی" و اندیشه های منحطی که تنها برای مستعسوی مغزی دانش آموزان و تحمیل آنها بیکار

می آید، گنجانده شده بود؛ از امسال تدریس وصیت نامه خمینی این عباد جنایتکار نیز بر آن آموزشها اضافه گردیده و قرار است با اختصاص بخشی از ساعات آموزشی به این امر شرایط کسب دانش و معلومات علمی را باز هم بیشتر از دانش آموزان سلب نمایند.

از کمبود همد فضای آموزشی و محتوی غیر علمی بخشی از نروس که بگنیم با نگاهی به وضعیت امکانات ورزشی محصلین مادر مدارس، جلوه دیگری از شرایط نکبت بار موجود در مدارس، آشکار می شود.

جائنی که صحبت از آموزش و پرورش محصلین در مدارس در میان است، ورزش یکی از ارکان این امر را تشکیل می دهد و لاجرم قرار دادن امکانات ورزشی در اختیار دانش آموزان امری ضروری است که بر عهده مسئولین مربوطه قرار دارد. بر این اساس باید بوجه مکنسی به این امر اختصاص داده شود. اما در جمهوری اسلامی، تحت حاکمیت رژیمی که عمده بوجه مملکتی را در راه تحکیم سلطه ضد مردمی خویش به تاراج می برد، تنها اندک بوجه ای صرف امور ورزشی دانش آموزان می گردد. در شرایط کنونی رقم این بوجه بقدری اندک است که حتی موجب باطلاح "حیرت" مسئولین آموزش و پرورش قرار گرفته و آنها از عا

اختصاص بودجه کلان برای تقویت نیروهای سرکوبگر و ضد خلقی خویش بکوشد. اختناق هر چه سنگین تری را بر مراکز آموزشی حاکم ساخته و توسط مسزوران جیره خواران به وحشیانه ترین اشکال به مقابله با دانش آموزان و سرکوب مبارزات آنان بپردازد. اما دانش آموزان ما از پای نمی‌نشینند و موظفند با مقاومت و مبارزه خود بر علیه این سیاست ضد خلقی نقش مبارزاتی خود را در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و براندازی سلطه امپریالیسم از میهنمان ایستادگی نمایند. آنها موظفند و باید برای تغییر شرایطی که رژیم بر منتهی حاکم ساخته به مبارزه بپردازند. باید دلایل عدم توجه رژیم به مسائل آموزش و پرورش و مکفی نبودن امکانات تدریس و کمبود بسیاری از وسایل لازم برای مدارس توسط دانش آموزان آگاه و مبارزان در سطح هر چه وسیعتری اشاعه یابد و غیره و وسعت رژیم از رشد اندیشه‌های مترقی و مبارزاتی در مراکز آموزشی و مدارس وی از رشد فعالیت‌های مبارزاتی در مدارس، دانش آموزان باید بکوشند صدای اعتراض خود را بر علیه بهیادگرهای جمهوری اسلامی هر چه رساتر ساخته و بخصوص مبارزات خود را بر علیه ارگانهای سرکوبگر رژیم در مدارس تداوم بخشند. این حقیقتی است آشکار که تا زمانیکه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر سر کار است، جز تمدی و اعمال زور و فشار و تحمیل شرایطی که دانش آموزان را از کسب علم و دانش باز

رایگان سخن می‌گویند، قسمت اعظم بودجه کشور و از جمله بخش بزرگی از بودجه مربوط به آموزش و پرورش صرف نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی می‌گردد. رژیم بطور سرسام آوری به افزایش بودجه در این زمینه می‌پردازد تا سلطه خود مردمی خود را برای تداوم غارت توده‌ها حفظ و تحکیم نماید. و اتفاقاً با توجه به اینکه محیط مدرسه خود انعکاسی از شرایط حاکم در کل جامعه می‌باشد و رژیم بنابر سیاست ماهیت ضد مردمی خویش همواره در صدد خاموش کردن هرگونه صدای آزادیخواهی در مدارس است. بخشی از بودجه آموزش و پرورش به این امر اختصاص داده می‌شود. هم از اینجاست که معلمان به دلایل جمهوری اسلامی در تقویت هر چه بیشتر شاخکهای سرکوبگری در مراکز آموزشی بی برد و فایده که چرا علی‌رغم همه تبلیغات رژیم در رابطه با فقدان ارز و کمبود منابع مالی از بودجه انجمنهای اسلامی در مراکز آموزشی و گسترش فعالیت مربیان امور تربیتی در آموزشگاهها نه تنها کاسته نمی‌شود، بلکه روز بروز افزایش می‌یابد.

اگر بایست صدای اعتراض دانش آموزان بر علیه اذیت‌های گوناگون در مدارس، بر علیه کمبود فضای آموزشی، کمبود امکانات ورزشی و امکانات آزمایشگاهی و... و بر علیه محتوای غیر علمی بسیاری از دروس و غیره و غیره در گلو خفه شود، اگر باید برخورد اندیشه‌ها در هم شکسته شده و سلطه منحوس جمهوری اسلامی در مدارس حفظ و تحکیم گردد، بنا بر این طبیعتی است که رژیم بسا

میدارند که "در مدارس برای هر دانش آموز ابتدائی سالانه فقط ده تومان بودجه تعیین گردیده است" حال با این توصیف می‌توان به چگونگی وضعیت امکانات ورزشی در مدارس پی برد و دریافت که چرا دانش آموزان ما حتی از ابتدائی ترین وسائل ورزشی نیز در مدارس خود محرومند. جائیکه بنا به گزارشات رسمی، ۹۰ هزار آموزشگاه در سراسر کشور بجای ۳ میلیون توپ مورد نیاز خود در نهایت تنها ۲۰ هزار عدد توپ در اختیار دارند و توپ خود یکی از ساده ترین و ارزانترین وسایل ورزشی محسوب می‌گردد، دیگر انتظار برخورداری آنها از مواد پهن ورزشی و دیگر وسائل و امکانات مناسب مربوطه تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بهبود یافته است.

دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی با وقاحت تمام تحت عنوان صرفه جویی در هزینه‌های دولتی ناچار بودجه لازم برای آموزش و پرورش می‌کاهدند. در این زمینه کار بجائی رسیده است که حتی ملحوبات رسمی نیز اعتراف می‌نمایند که "بودجه سرانه آموزش و پرورش در واقع نوعی رفع تکلیف و سرهم بندی مسئله است" ولی اگر سرمداران رژیم تنها بخاطر "رفع تکلیف" و "سرهم بندی" موضوع بودجه‌ای بسیار اندک صرف آموزش و پرورش می‌نمایند، بخشی از این بودجه صرف باصلاح امور امنیتی در مدارس می‌گردد. واقعیت این است که علی‌رغم تبلیغات مسزوران رژیم که گاه و بیگاه حتی از مبارزه با بهیواد و تحصیل

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

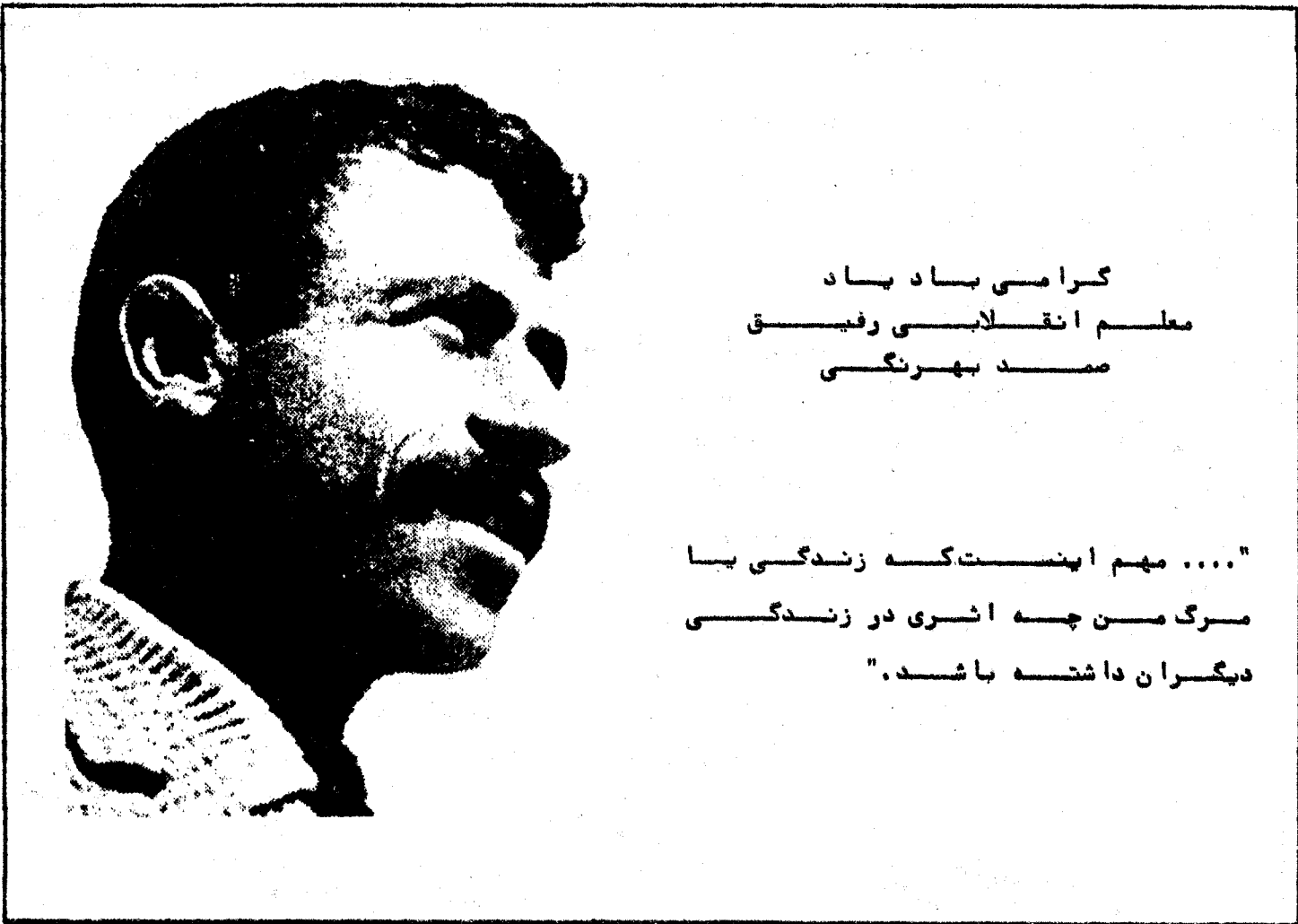
برای برخورد آزاد اندیشه‌ها و اندیشه‌پسندان فرا تر از چهارچوبی که نظام حاکم تعیین می‌کند وجود نخواهد داشت. تنها با سرنگونی نظام جا برانسه سرمایه‌داری وابسته و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر است که دانش‌آموزان همچون بنیه انقلاب و طبقات خلق به خواستهای برحقان دست می‌یابند. واقعیتی که وظیفه بزرگ مبارزه در جهت رسیدن به این هدف را در مقابل آنها قرار داده است.



جزاینکه دانش‌آموزان بسا کمترین امکانات ممکن به تحصیل بپردازند و بعضی بزرگی از آنان پس از پایان تحصیل به ارتش می‌پیونند و بنکاران پیوسته و بسا در خیابانها به دستفروشی بپردازند. در مقابل آنان قرار دهند.

دانش‌آموزان مبارز ما باید بدانند که تا سلطه اهریمنی امپریالیسم در ایران با برجاست و تا سردستاران نژد و فاسدی همچون رهبران جمهوری اسلامی برار بیکه قدرت قرار دارند، آنان از شرایط تحصیلی مناسب برخوردار نخواهند شد و بخصوص همانطور که در کل جامعه با وجود سلطه این رژیم از حق بیان آزاد عقیده و دیگر آزادیهای سیاسی و اجتماعی خبری نخواهد بوده در مدارس نیز جانی

مسئله دره ارمغان دیگری نصیب دانش‌آموزان نخواهد شد. کسانی که سالانه تنها ده تومان به امور ورزشی هر دانش‌آموز اختصاص می‌دهند ولی در یک قلم تنها ده تن طلای این مملکت را به سرقت می‌برند و در حالیکه با اخانهای گوناگون به پیا اول توده‌ها می‌پردازند حسابهای خود را در بانکهای خارجی برتر می‌سازند سردمداران نژد و فاسدی که برای تحکیم سلطه اریابان امپریالیست‌ها از هیچ جنایتی در حق دانش‌آموزان فرو گذاری نکرده و دسته دسته از آنها را به مسلخ جنگ ارتجاعی ایران و عراق می‌فرستادند، بسی چنین کسانی هرگز نمی‌توانند چشم اندازی



گرامی باد باد  
معلم انقلابی رفیق  
صمد بهرنگی

".... مهم اینست که زندگی با مرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد."



## اطلاعیه

## جریکهای فدائی خلق ایران

## در رابطه با اقدام تروریستی رژیم جمهوری اسلامی در قبرس

خلقهای قهرمان ایران!

روز چهارم شهریورماه جاری یکی از اعنای "حزب کمونیست ایران" بنام بهمن جوادی (غلام کشاورز) در بندر لرنکا واقع در قبرس مورد سوء قصد مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی قرار گرفته و به شهادت رسید. بدون شک این عمل جنایتبار در حالیکه یکبار دیگر چهره خونبار و تروریست رژیم جمهوری اسلامی را در انظار جهانیان به نمایش میگذارد، میانگرمضد و استیمال رژیم است که حتی در خارج از مرزهای کشور نیز خود را وسیعاً با مبارزه و مقاومت مردم ستمدیده ایران مواجه میکنند.

امروز در شرایطی که اربابان امپریالیست رژیم جمهوری اسلامی که با برآه انداختن تبلیغات مزورانه بر له این رژیم و چه با دست یازیدن به اقداماتی چون دستگیری علاءالدین توران یکی از مسئولین روابط خارجی سازمان مجاهدین خلق در آمریکا، نشان میدهند که تا چه حد آشکارا در جهت تحکیم موقعیت رژیم دست نشانده خویش تلاش میکنند، وظیفه نیروهای مبارز و انقلابی است که بیش از پیش دست به افشاکری زده و ضمن کوشش در رسوا کردن هرچه وسیعتر تروریسم جمهوری اسلامی در بین افکار عمومی، رسوایی بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی را نیز که علیرغم ابراز مخالفتهای ظاهریشان با "تروریسم"، شدیداً به لاپوشانی اعمال تروریستی رژیم مزدور جمهوری اسلامی مشغولند برملا سازند.

ما ضمن محکوم کردن جنایت اخیر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در قبرس و اقدامات امپریالیستهای جهانفوار در حمایت از رژیم، به رفقای هوادار سازمان و همسایه نیروهای مبارز و انقلابی در خارج از کشور یادآور میشویم که باید کماکان در افشای تمامی اعمال ارتجاعی و ضدانقلابی رژیم ضدخلق جمهوری اسلامی کوشا بوده و بیاد داشته باشند که تنها با تشدید مبارزات خود بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیریش میتوانند پیشبرد سیاستهای ارتجاعی رژیم و از جمله سیاست تروریستی او در خارج از کشور را عقیم گذاشته و آن را با شکست مواجه سازند.

سرگ بر امپریالیسم و مگهای زنجیریش!  
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!  
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!  
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان  
جریکهای فدائی خلق ایران

## ترور صدیق کمانگر جلوه دیگری از تروریسم جمهوری اسلامی

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در راستای تشدید سیاستهای تروریستی-خویش برعلیه نهضت انقلابی خلقهای ایران جنایت دیگری آفرید و در با مداد سیزدهم شهریورماه بوسیله یکی از مزدورانش که از مدتی پیش در صفوف سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) نفوذ کرده بود رفیق صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی کومه له و حزب کمونیست ایران را به شهادت رساند.

ترور وحشیانه صدیق کمانگر بفاصله ده روز پس از ترور غلام کشاورز یکی دیگر از اعضای این حزب در قبرس نشاندهنده تلاش جمهوری اسلامی در گسترش سیاست تروریستی خویش و در همان حال افشاگر چهره جنایتکار رژیم است که میکوشد با توسل به ترور و شکنجه و اعدام سلطه ننگین خویش را اعمال نماید.

توسل به ترور برای نابودی رهبران و فعالین سیاسی سازمانهای مبارز یکی از شیوههای شناخته شدهای است که رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در سالهای حاکمیت منحوس اش هرگز از آن کوتاهی نکرده است و ترور صدیق کمانگر نیز در همین راستا بیانگر تداوم برنامه رژیم در توسل هرچه بیشتر به این وسیله برای نابودی رهبران سازمانهای مبارز میباشد که در عین حال هدف از آن اشاعه روحیه یاس و ناامیدی در توده هاست.

ضمن اعلام انزجار از این عمل جنایتکارانه و تاکید بر ضرورت مقابله جسیدی با برنامه های تروریستی جمهوری اسلامی مراتب همدردی عمیق خویش با خانواده رفیق صدیق کمانگر و همزمانش را اعلام می داریم.



رفقای هوادار:

اخبار و گزارشات محفل  
کار و زندگی خود را جمع آوری  
نموده وبه آدرسهای سازمان  
در خارج از کشور ارسال  
کنید.

## آخرین ترانه\*

ما در اینجا، در این گوشه شهر  
پنج هزار انسانیم - زندانی،  
در تمامی شهر  
در تمام کشور  
ما چقدریم، چقدر؟

.....

همه مان ... همه مان  
خیره بر مرگ و نظاره گر مرگ،  
چهره پست فاشیسم

وہ چه شوم است، چه شوم!

از برای اینان

خون، مدال است و نشان،

قتل عام مردم

قهرمانی شجاعت آمیز،

.....

تو نگو آواز من نیکو نیست

چونکه میباید وحشتها را بسرایم،

آنزمانی که من از وحشتها خواهم مرد

آنزمانی که من این لحظه بی پایانی را خواهم یافت

تو در این هنگام است

انعکاسی از آواز مرا

در سکوت و فریاد

باز میبایی، باز،

\* - "آخرین ترانه" نامی است که برای آخرین  
سروده "ویکتور خارا" هنرمند انقلابی شیلیایی  
انتخاب کرده ایم.

این ترانه را ویکتور خارا قبل از شهادتش  
بدست دژخیمان پینوشه در زمانی که در ورزشگاه  
سانتیاگو در بازداشت بسر میبرد سروده که سینه  
به سینه به خارج راه یافته است.

## تعطیلات تابستانی هیئت جدیدی برای اخراج کارگران

و آنها را در بدر و آواره سازند. واقعیت این است که آنچه از دولت سر رژیم ضدکارگری جمهوری برکارگران زحمتکش کارخانه مس سازی رفته است، شمای کوچکی از سیاستهای ضد خلقی گسترده ای است که در شرایط تشدید بحران گریبانگیر نظام بورژوازی وابسته، از سوی سرمایه داران وابسته در حلق میلیونها تن از کارگران محروم ما بطور روزمره اعمال میشود. سرمایه دارانی که بدون پذیرش هرگونه مسئولیتی نسبت به کارگران آنها را دستدسته اخراج مینمایند. واقعیت اینست که رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران وابسته در شرایط حدت یابی بحران شدید نظام گنبدیده خویش و برای مهار و تخفیف این بحران، سعی میکنند با سیاستهای نظیر اخراج های وسیع کارگران تحت بهانه های مختلف، تقلیل و ثابت نگاه داشتن دستمزدها و افزایش زمان کار و تشدید شدت استثمار و غیره بار مرگبار بحران خویش را بر هستی و حیات بخور و نمیر طبقه کارگر و توده های زحمتکش سرشکن نمایند. سیاست ضدکارگری و ردیالنه ای که اخراج وسیع کارگران کارخانه مس کار جاده قدیم کرج تنها مبتابه مشتکی از خروار موبدان میباشد.



کارگران در تاریخ ۲۵ مرداد ماه به سر کار برمیگردند متوجه میشوند که قفل در کارخانه عوض شده و صاحبان کارخانه با چناندن یک اعلامیه در پشت درب کارخانه عنوان کرده اند که به علت عدم تحویل سهمیه و مواد اولیه از طرف وزارت صنایع، کارخانه تعطیلست میباشد. و کارگران میتوانند به برای تصفیه حساب به دفتر مرکزی شرکت مراجعه نمایند. البته بهانه تراشی عدم تحویل سهمیه و مواد اولیه برای کارخانکنه مس سازی در حالی عنوان شده که فریبکاری ای بیش نموده و کارگران خود میگویند که حتی در سخت ترین شرایط جنگی بطور مرتب سهمیه این کارخانه تحویل داده شده است. بهر حال با این تاکتیک ضد خلقی سرمایه داران ز الوصفت کارخانه مس کاری جاده قدیم کرج موفق شده اند که تمامی کارگران این کارخانه که عده ای از آنها حتی ۱۳ سال سابقه کار در این شرکت را دارند بیکار ساخته

تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، و در شرایط بحران دشمالتزاید گریبانگیر این رژیم، سرمایه داران ز الوصفت وابسته در راستای سیاستهای ضد کارگری خویش بر علیه طبقه کارگر محروم ما هر روز به شکلی کارگران ستم دیده ما را آماج بورشهای وحشیانه خود قرار میدهند.

در همین رابطه طی فاهای اخیر صاحبان کارخانه مس کاری در جاده قدیم کرج که متعلق به سرمایه داران بخش خصوصی میباشد با یک حیلۀ ردیالنه تمامی کارگران ستم دیده این کارخانه را بیکار و در شرایط طاقت فرسای بحران و فقر و فلاکت کنونی به ارتش ۶ میلیونی بیکاران کشورمان اغافه کرده اند.

در تاریخ ۱۱ مرداد ماه امسال صاحبان استثمارگر کارخانه مس کاری در جاده قدیم کرج همه کارگران این واحد را به بهانه استفاده از تعطیلات تابستانی به مرخصی فرستاده و هنگامی که



بسه پیاد  
جریک فدائی خلق رفیق شهید  
مهرنوش ابراهیمی

## رفقای هوادار!

بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم  
جمهوری اسلامی هر چه فعالانسه تر  
بها خیزید. صفوف خود را متشکل  
نموده و با ایجاد هسته های  
سیاسی - نظامی این رژیم ددمنش  
را آماج ضربات مرگبار خود  
قرار دهید.



## ۱۷ شهریور فراز شکوهمندی از مبارزات خلقهای ما

در ۱۷ شهریور سال ۵۷ رژیم مزدور شاه با اعلام حکومت نظامی تظاهرات مردم تهران در میدان ژاله را وحشیانه مورد یورش قرار داده و چند هزار نفر را به شهادت رساند تا به خیال خام خود موج فزاینده جنبش مردمی را فرونشاند، اما خون شهدای ۱۷ شهریور خود به عاملی در جهت تشدید مبارزات خلقهای ما تبدیل شد و واقعه ۱۷ شهریور به منابه افشاگر چهره واقعی ارتش امپریالیستی ایران در تاریخ ثبت گردید، همان ارتشی که جمهوری اسلامی با تکیه بر آن و با اصطلاح اسلامی نمودنش در یازده سال اخیر مبارزات خلقهای ما در ترکمن صحرا، خوزستان، کردستان و سراب ایران را به خاک و خون کشیده است.

۱۷ شهریور جلوه شکوهمندی از مبارزات خلقهای ما و در همان حال جلوهائی از ماهیت ددمنشانه نظام سرمایه داری وابسته ایران میباشد که برای حفظ سلطه منحوس خود نشان داده است از هیچ جنایتی فروگذاری نمینماید.

ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای این روز تاریخی بر این نکتم باید تاکید کنیم که اگر ۱۷ شهریور ماهیت واقعی ارتش ایران را بار دیگر در مقابل توده های ما به نمایش گذاشت در همان حال این وظیفه بزرگ را نیز در مقابل ادامه دهندگان راه شهدای ۱۷ شهریور قرار داد که تا نابودی ارتش امپریالیستی ایران به منابه عمده ترین عامل بنای سلطه ظالمانه امپریالیستها و سرمایه داران وابسته از پای ننشینند، چرا که تحقق اهداف این شهدا تنها با نابودی نظام سرمایه داری وابسته و ارتش جنایتکارش امکان پذیر میباشد.



## نکته‌ها و گفته‌ها

مطابق ۱۲  
شماره ۵ شهریور ۱۳۶۸  
۲۶ شهریور ۱۴۱۰ - شماره ۱۳۳۰

### هوای نفتی!

بارش برف ارتفاعات البرز را سفیدپوش کرد و سوری هوای تهران در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه بود...  
قابل توجه وزارت معترم نفت تا با اعلام ۵۰ کوپن نفت، روی مردم نگران از فرار سرمایه از ریزستان را سفیدپوش کرده و شکستهای نفت منازل را بطور بی‌سابقهای لبریز نماید...

مطابق ۲  
شماره ۲۲ شهریور ۱۳۶۸  
۱۲ شهریور ۱۴۱۰ - شماره ۱۳۳۰

### حساب کتاب و کتابخانه

#### کاهش نرخ بیکاری!

مقدر تشنه بود، می‌نوشت بر روی دیوار که...  
از طبقه کارمندان پنهان، حسابی...  
مغفله و از میدان درآمد...  
رایج خود، خالیتهای دیگری نیز...  
تالیلهای کاغذی که بر روی...  
می‌بود. احتیاج به...  
- مقاله: قصاصی: فروش...  
- مقاله: بقالی: آموزش...  
- مقاله: میوه‌فروشی: تعمیرات...  
- مقاله: آختگری: تبلیغ...  
- مقاله: قنادی: سبک...  
- مقاله: مصاری: کنکور...  
- مقاله: فناوری: عکسبرداری...  
- مقاله: ...  
بدان می‌گویند کاهش نرخ بیکاری!

مختصر ضابطه

صفحه ۱۰

دوشنبه ۶ شهریور ۱۳۶۸ - شماره ۱۳۳۰  
۲۵ شهریور ۱۴۱۰ - شماره ۱۳۳۰

### کیشان

#### کارکنان دفتر بازرگانی نطنز ایستاد بهبود وضعیتشان هستند



ما کارکنان دفتر بازرگانی نطنز در خصوص مشکلات استخدامی بنده و حقوق پرسنلی خود گله‌مندیم لازم به توضیح است که قریب به سه الی هفت سال بطور مستمر در ستاد بیسج اقتصادی دفتر بازرگانی شهرستان نطنز مشغول بکار بودیم و هر سال به امید بهبود وضعیت منتظر می‌ماندیم ولی واقعیتی است که هرچه زمان می‌گذرد ما هم ناامیدتر می‌شویم.  
ای کاش مسئولان به ما می‌گفتند که در حساب خانوادها چه بگوییم؟ چرا پس از گذشت پنج ماه از سال هنوز از حقوقمان خبری نیست؟  
به نیستیم بماند که تاکنون چندین شکایت به مراجع ذصلاح فرستادیم ولی تاکنون اقدامی در این مورد نشده.  
امضاء تعدادی از کارکنان اداره بازرگانی نطنز



شماره ۲۲۵۳ - چهارشنبه ۱۹ مهر  
تا چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۳۶۸

### \* وقت طلاست؟

ادارات و... کم می‌کردم و مطمئناً شما هم حال و روزی بهتر از من نداشته و نثارید و نتیجتاً خوب درک می‌کنید که چه می‌گویم. به همین جهت مطمئنم شما هم وقتی خبر پیدا شدن ۱۰ تن طلا را شنیدید کلی ذوق زده شدید و فکر کردید طلاهای پیدا شده همان طلاهایی است که من و شما کم کرده‌ایم. اما این وسط هم شما و هم نگارنده حساب یک چیز را نکرده بودیم و آن اینکه در گذشته سدهای بودند به اسم کتیبه‌نگار و استیضای فوت و آن‌ها هم طایفه‌ای خاص و تحصیل‌کرده طلا می‌کردند. اما ظاهراً در شرایط اخیر، آن وضع عوض شده و قاجارچیان به شکر بدل کیساکری هم مجهز هستند و می‌توانند یک تریلی طلا را در فاصله رسیدن از بندر عباس به تهران تبدیل به مفرغ کنند از این حکایت نتیجه می‌گیریم: اگر هم واقعا وقت طلا باشد، وقتی که من و شما صرف خواندن اخبار مربوط به قضیه کشف ده تن طلا و پیگیری آن در مطبوعات کرده‌ایم طلا نبوده و به تشخیص کارشناسان هفتمه نگاه، مفرغ است.

در کتاب‌های درسی دوره تحصیل نگارنده و بقیه کسانی که همین و سال نگارنده هستند، شعری بود با این مضمون که:  
هر چیز رود ز دست انسان  
شاید که به دست آید آسان  
گر وقت رود ز دست ارزان  
با هیچ‌گهر خرید نتوان!!  
و عجباً که در آن زمان هم معلمین و هم والدین اصرار داشتند که وقت طلاست و باید در محافظت از آن سنتهای دقت را بکنیم تا خدای ناکرده گم و گور نشود.  
ولی شما که غریبه نیستید، علی‌رغم دقت کافی در محافظت از وقت روزی چندین و چند ساعت از وقتم بیخورد و بی جهت تلف می‌شد و هر روز مقداری از وقتم را در صف اتوبوس، راه بلدان، صف‌های مختلف آرزاق، امروز برو فردا بمانی

مردم منطقه سیستان  
سیستان و بلوچستان  
● ما مدتی است انتظار شما را می‌کشیدیم زیرا هیچکس در اینجا جواب قانع کننده‌ای به ما نمی‌دهد دیگر فراموش کرده‌اند که ۵ ماه از زمان وقوع سیل می‌گذرد، تاکنون حتی یک قدم هم برای ما در جهت خانه سازی برنداشته‌اند.

صفحه ۸  
شماره ۲۸ شهریور ۱۳۶۸  
۱۸ صفر ۱۴۱۰ شماره ۱۰۶۹

یکی از روش‌های مبارزه با کمبودهای منطقه سیستان  
● تمامی همسایگان ما را از دست داده‌ایم  
ما خنجر چینه‌زندانیم، ۵ ماه است که منتظر زمستان نزدیک است و همه می‌دانند ما در هوای سرد قادر به زندگی نمی‌باشیم. در چادرها نیستیم هنوز برای ما کاری نگرفته‌اند.

مدیر عامل بانک صادرات بازنشسته شد  
به دلیل سوء استفاده مالی:  
بخش اقتصادی: مدیر عامل  
بانک صادرات به اتهام مشارکت  
در سوء استفاده کلان مالی در  
شرکت بین‌المللی بازرگانی  
لادیس دستگیر و روانه زندان  
شده

چهارشنبه دوازدهم مهر ۱۳۶۸  
مهر ۱۳۶۸ شماره ۱۰۸۱

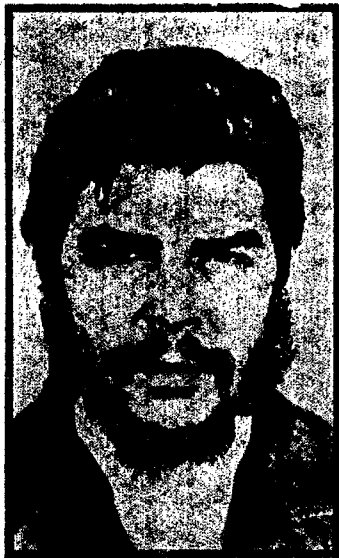
## به مناسبت درگذشت منوچهر محبوبی

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که در یازدهم شهریورماه، منوچهر محبوبی طنزنویس برجسته کشورمان بر اثر بیماری سرطان در لندن درگذشته است.

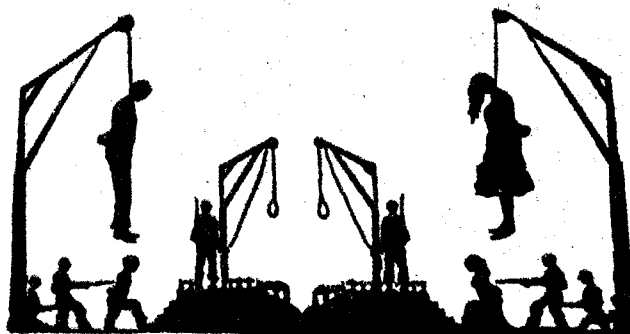
محبوبی از چهره‌های سرشناس هنر و ادبیات مترقی ایران بود که پس از قیام بهمن با انتشار نشریه "آهنگر" که با زبان طنز به افشای سیاست‌های فدمردمی جمهوری اسلامی میپرداخت به مثابه طنزنویسی برجسته شناخته شد. به اعتبار موقع رادیکال و مترقی محبوبی نشریه آهنگر خیلی زود به یکی از پر خواننده‌ترین نشریات مردم تبدیل شد و همچون غاری در چشم دشمنان انقلاب و آزادی‌فرورفت، ولی با توجه به ماهیت سرکوبگرانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و شدت‌گیری اختناق انتشار "آهنگر" در ایران ادامه نیافت و محبوبی مجبور به ترک وطن و اقامت در لندن گردید. در شرایط تبعید محبوبی همچنان به فعالیتهای مبارزاتی و فرهنگی خود ادامه داد و با انتشار "آهنگر در تبعید" و سپس فصلنامه "فعل کتاب" پی‌گیری و خستگی‌ناپذیری خود را در راه اشاعه ادبیات مترقی به اثبات رساند، فعالیتهای که در عین حال توانایی‌های محبوبی را نیز با برجستگی تمام در مقابل دید همگان قرار داد.

بدون شک درگذشت منوچهر محبوبی روزنامه‌نگار، نویسنده و طنزنویس برجسته فایده‌ای بزرگ برای هنر و ادبیات مترقی ایران میباشد ولی همین واقعیت وظیفه مهمی را در مقابل هنرمندان و نویسندگان مترقی ما قرار میدهد تا با فعالیت هرچه وسیعتر خود در جهت جبران این ضایعه گام بردارند.

درگذشت محبوبی را به خانواده او و کانون نویسندگان در تبعید که محبوبی خود یکی از اعضای فعال آن بود و نیز به همه هنرمندان مترقی کشورمان تسلیت گفته و امیدواریم که موقع رادیکال محبوبی که با وضوح تمام در صفحات آهنگر انعکاس یافته است از سوی همه نویسندگان مترقی تداوم یابد.



جاویدان سادات  
 خاطره انقلابی کبیر رفیق  
 ارنستو چه‌گوارا



بیاد تمامی شهدای گمنام

## گزیده‌هایی از رادیو صدای چریکها

اعتراف به

وجود ده میلیون بیمار روانی

در کشور

۶۸/۶/۲۳

"اثر ۵ ایرانی، یک نفر به بیماری روانی مبتلا است"

این اعتراف یکی از کارگزاران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در وزارت بهداشت می باشد.

واقعیت این است که تحت حاکمیت این رژیم خون آشام و استعمارگر - بیماریهای عصبی و روانی رشد و گسترش بی‌مابقه‌ای یافته‌است. بطوریکه بنا بر آمار و ارقام رژیم که البته بی‌انگیز تمامی واقعیتات تاسفبار حاکم بر زندگی توده‌های تحت انقیاد ما نیست، بخش چشمگیری از داروهای مصرفی مردم را، داروهای مربوط به بیماریهای عصبی تشکیل میدهند. با رژیم بنا بر همین آمار و ارقام افزایش مصرف سرانه دارو در کشور در طول سالهای ۵۷ تا ۶۷ یعنی تحسنت حاکمیت رژیم منحوس جمهوری اسلامی به میزان ۳ برابر رشد یافته‌است.

اگر آمار و ارقام اعتراف شده از سوی مرندهی وزیر سابق بهداشت و درمان و آموزش پزشکی رژیم را به عنوان یکی از شاخصهای رشد و شیوع بیماریهای روانی در بین توده‌های رنج‌دیده‌مان معیار قرار دهیم هرچه بیشتر به گسترده‌گی شیوع این بیماریها در میهن تحت سلطه‌مان آگاه میشویم. مرندهی چندی پیش اعلام نمود که در سالهای اخیر "داروهای نظیر - والیوم، لیتریوم و دیگر داروهای

جمهوری اسلامی

و معضل لاپوشانی ده تن

شمش طلا

۶۸/۷/۱۵

اخیرا سرمداران نزد و غارتگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تمام توان عوامفریبی و عسادی خویش را بکار بسته اند تا جبران یکی دیگر از نزیبها و غارتگریهای نجومی خویش که شامل ۱۰ تن طلا به ارزش تقریبی یک میلیارد دلار میباشد را لاپوشانی نمایند. بی تردید به دنبال بخش غیر کشف ۱۰ تن طلا از سوی ما موران و انفارمری رژیم نزد و فاسد جمهوری اسلامی که سگان زنجیری امپریالیسم قصد داشتند با قاچاق آن به خارج کشور آنرا به فروش رسانده و وجوه حاصل از آن را به سایر حسابهای بانکی خویش در اروپا و آمریکا بفرستند و با صرف مطالع ضدخلقی خویش کنند، افکار عمومی توده‌های تحت‌تستم ما، که زیر سلطه نظام جابزانه حاکم در وضع فلاکتباری به سر برده و از کمبود و گرانی و بیکاری و نه‌ها بلیه اجتماعی دیگر رنج می‌برند، را به‌غلیان آورده‌است.

با بخش غیر این فضاخت بزرگ و با

نروغیران‌بهای بعدی سران رژیم راجع

در صفحه ۲۵

به مناسبت ۳۱ شهریور نهمین

سالگرد آغاز جنگ امپریالیستی

ایران و عراق

۶۸/۶/۳۰

خلقهای آزاده و مبارز میهن:

سی و یکم شهریور ماه سال ۵۹ مصادف است با آغاز یکی از جنابت‌بارترین جنگهای امپریالیستی معاصر یعنی جنگ ارتجاعی ایران و عراق. جنگی که سرخ اصلی آن در دست امپریالیستها و رویزیونیستها بوده و رژیم مسزور جمهوری اسلامی بمنوان یکی از مجرمان سیاستها و اهداف امپریالیستها، طی ۸ سال آتش‌باری در معرکه خانمانسوز آن نیروهای انسانی و امکانات به‌شمارای را در میانین آن قربانی کرده‌جنگی که بی‌تردید علاوه بر به جا گذاشتن میلیونها قربانی، معلول و آواره باعث ویرانی هزاران شهر و روستا، کارگاه و کارخانه و غیره گردیده و خانواده‌های بی‌گناه بسیاری را بی‌سرپرست کرده، زنان در سوگ شوی و مادران و پدران را در غم از دست دادن جگر گوشه‌هاهمان عزادار نموده‌است.

تراژدی ضدخلقی ای که

با ناآوری فجاج اتفاق افتاده در آن نظیر

در صفحه ۲۹

بوده‌اند. در نظام کنونی جامعه فقر و فلاکت و بی‌خانمانی، گرانی و کمبود و تورم، بیکاری، فحشا و اعتیاد و غیره آن ارمغانهایی هستند که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی طی سالهای مدید و در ادامه ما موریت سلف برحقش یعنی رژیم شاه برای کارگران و زحمتکشان ما به بار آورده است. بنابراین این واقعیت و در شرایطی که حتی بنا به اعترافات خود سردمداران رژیم، در جامعه ما حداقل ۲۵ میلیون تن از توده‌ها زیر خط فقر به سر می‌برند، هنگامی که ارتشی مرکب از حداقل ۵ میلیون بیکار وجود دارد، در شرایطی که گرانی و کمبود همچون هیولایی مرگبار حتی تا مین یک زندگی بخور و نمیر را برای مردم محروم ما غیر قابل دسترسی کرده و اضطراب از فرادی ناووشن را بر اذهان حاکم ساقط کرده است. و در یک کلام در شرایطی که کارگران و زحمتکشان ما در فقر و فلاکت هولناک ناشی از مناسبات غارتگرانه کنونی دست و پا می‌زنند، آنگاه پرواضح است که سختی گذران و معشیت فشارهای عصبی ناشی از این مآشبه و فقدان چشم‌اندازی برای آینده و عدم ظرفیت تحمل چنین اوضاعی برای توده‌های دردمندی که از پام تا شام به منظور نه کف آوردن یک لقمه نان به هر دری می‌زنند، تبدیل به اساسی‌ترین زمینه‌ای میگردد که موجب بروز و تشدید فشارهای عصبی طاقت فرسا و گسترش حالات نامتعادل روحی و بالنتیجه بیماریهای روانی را فراهم می‌آورد.

بی‌دلیل نیست که همانطوریکه امروزه همگی میدانند، بدری پس از تحمل مشقات بسیار و در پی دست نیافتن به یک قوطی نایاب شیربچه، جهت تغذیه طفل شیرخوارش، جگرگوشه‌اش را در داروخانه و در انتظار مردم بر زمین می‌کوبد و در دم به هلاکتش میرساند. بی‌دلیل نیست که تحت حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هر روزنامه حیره‌خوار را که ورق می‌زنی خبر از خودکشیهای بی‌دری هم‌میهنان میدهد که بر اثر

این سیستم بوده و می‌باشند. چراکه این رژیم ددمنش طی بازده سال حاکمیت ظلم و جنایت خویش، آنچنان شرایط دهشتناکی را بر کار و زندگی توده‌های رنجبر ما حاکم نموده که به جرات میتوان گفت در تاریخ معاصر میهنمان بی‌ما بقیه می‌باشد. حال برخلاف فریبکارهایی رژیم که سعی مینمایند نقش خود در ایجاد و تکوین علل وجودی رشد و شیوع بیماریهای روانی را لاپوشانی کنند، ما در اینجا ضمن اشاره به برخی از ریشه‌های این فاجعه اجتماعی میپردازیم تا هرچه بیشتر روشن گردد که دلایل بوجود آمدن چنین نابسامانیها و واقعتهای اسفباری که بر زندگی توده‌های ستمدیده ما حاکم گردیده چیست؟

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی طی بازده سال گذشته در چهار رچوب سیاستهای اربابان امپریالیستش جنایاتی مرتکب گردیده که امروزه هیچ فرد شرافتمندی را نمیتوان سراغ داشت که زندگی بخور و نمیرش از تعدیبات نظام امپریالیستی و از گزند نیشه‌های زهدار این رژیم جلاد در امان نبوده باشد. رژیمی که از همان اوان به برکار آمدنش بمتابه سکاندار جدید نظام سرمایه‌داری وابسته در میهنمان سلطه اهریمنی‌اش را بر جامعه ما گسترانند و بنا بر ماهیت ضد خلقی‌اش با تشدید و گسترش مآشبه‌ناشی از این نظام جانانه، روزگار را بر هموطنان ما سیاه نمود.

رژیم ددمنشی که حاکمیت امپریالیستی‌اش جز خسارات جانی و مالی و مآشبه رنگارنگ و بیشمار هیچ ارمغان دیگری برای توده‌های محروم و رنجبر ما به بار نیاورده است که ابتدای ۱۰ میلیون تن از هم‌میهنان ما به بیماری روانی فقط گوشه‌ای از آن است. نخستین زمینه‌ای که در رابطه با چرایی وجود تعداد زیاد بیمار روانی در جمهوری اسلامی باید بدان اشاره کرد، زمینه‌های اقتصادی و مآشبه فلاکت‌باری است که میلیونها تن از کارگران و توده‌های تحت‌ستم ما زیر سایه شوم‌نظام امپریالیستی، با آن دست به گریبان

آرام‌بخش، بیشترین مصرف را در میان مردم داشته‌است.

در عین حال رشد بیماریهای مختلف و از جمله امراض روانی و عصبی در میان توده‌های محروم جامعه تحت حاکمیت سیاه سگان زنجیری حاکم به حدی رسیده که خود کارگزاران رژیم و قبیحانه اعتراف مینمایند که "ایران از نظر مصرف سرانه دارو جز ۱۰ کشور نخست جهان" شده و "در آسما مقام دوم را" کسب نموده است. به همین دلیل هم هست که میزان فروش دارو در شش ماهه اول سال ۶۷ به ۴۵ میلیارد ریال رسیده که در این میان داروهای مخدر و آرام‌بخش یعنی داروهای ویژه بیماریهای روانی بیشترین مصرف را در جامعه داشته‌است.

ولی با تمامی این تفصیلات سردمداران و کارگزاران رژیم در اعترافات خویش، بنا بر ماهیت ضد خلقی و وابسته‌شان، به هیچ وجه به دلایل و علل بوجود آورنده چنین شرایط تأثری اشاره نمی‌کنند.

واقعیت این است که وجود بیش از ۱۰ میلیون تن بیمار روانی در یک کشور ۵۰ میلیونی و خرید بیش از ۴۵ میلیارد ریال دارو که بیشترین مقدار آن نیز داروهای ویژه بیماریهای عصبی و روانی است در درجه اول نمایانگر وجود فضای اقتصادی - اجتماعی بسیار مسموم و رنج‌آور در جامعه‌ایست که توده‌های تحت‌ستم ما در طول یک دهه اخیر در آن زندگی مینمایند. جامعه‌ای که تحت انقیاد یکی از هارترین سگان زنجیری امپریالیسم یعنی دیکتاتوری امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد. اگرنا راحتی‌ها و عوارض گوناگون زندگی فلاکت‌بار کارگران و زحمتکشان میهنان و فشارهای عصبی ناشی از این شرایط را زمینه اساسی بیدایش و رشد بیماریهای روانی در نظر بگیریم، آنگاه باید گفت که بسودن هیچگونه ابهامی، عامل بوجود آورنده چنین اوضاع اسفباری در میهنمان، اساس سیستم سرمایه‌داری وابسته رژیم منحوس جمهوری اسلامی به مآشبه حافظ

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

توده‌های فرودست به عنوان قربانیان این جنگها دچار فشارهای عصبی، اختلال حواس و بیماریهای روحی و روانی گشته‌اند این نیز واقعیتی کتمان‌ناپذیر است که جنگ غارتگرانه و امپریالیستی ایران و عراق که از نظر ابعاد گشتار و جنایت در نوع خود بی‌نظیر بوده است، به میمنت ۸ سال آتش‌باری جمهوری اسلامی در معرکه‌های مرگبار آن بعنوان یکی از عواقب خود بسیاری از توده‌های محروم ما را دچار اختلالات عصبی و بیماریهای روانی و حتی دیوانگی مادام‌العمر نموده است.

هم‌میهنان ما در جریان جنگ فدخلقی و خانان‌سوز ایران و عراق میدیدند که خانواده‌های کشته‌شدگان و قربانیان جنگ امپریالیستی و یا زخمی و اسیر شدگان، به چه مصیبت‌هایی گرفتار می‌آمدند. آنها میدیدند که بسیاری از خانواده‌ها پس از شنیدن خبر مرگ فرزندان‌شان یا در دم سگته نموده و جان می‌بخشند و یا تا آخر عمر دچار حالات نا متعادل روانی میشوند.

بله با چنین اوضاعی حال بهتر میتوان فهمید که چرا از هر ۵ نفر ایرانی یک نفر به بیمارانهای روانی مبتلا گشته است و چرا حاکمین مزدور به علل و ریشه‌هایی چنین مصیبتی تمهید دارند. البته اعمال فدخلقی رژیم در جریان جنگ امپریالیستی و تشدید چنین اوضاع فلاحکاری به همین جا ختم نمیشود در چهارچوب جنگ امپریالیستی جنگ شهرها نیز که طی آن هزاران تن کودک و پیر و جوان قربانیان فخری و غمناک و امپریالیستها و سگهای زنجیریشان در این جنگ فدخلقی گردیدند گذشته از به یغما دادن دارائیهای میهنمان و همچنین شدت بخشیدن به اغازی و سرکشی نمودن توده‌های رنج‌دیده ما - آنچنان تاثیرات مخربی بر جسم و روان توده‌های ما به جای نهاد که طی چند دهه اخیر بی‌ما بقیه بوده است، بدین ترتیب باز هم بهتر میتوان براین امر آگاه گردید که از زمره دلایل دیگر ابتلای بیش از ۱۰ میلیون از هم‌میهن‌انمان به بیماریهای روانی چیست و چرا جمهوری اسلامی مجبور است دلایل این واقعیت را از توده‌ها کتمان نماید.

فروتنانند و روحیه والای مبارزاتی آنان را در هم بشکنند. اما این دشمنان قادر خلق به عینه دیدند که سینه‌شان کم - زورتر از آنست که بتوانند به این آسانی از پس توده‌های به پا خاسته و جنبشی به این قدرتمندی بربایند. اما در هرحال امپریالیستها و سگان زنجیریشان برای فاش کردن آمدن به این مقصود فدخلقی خویش، در طول دهساله زبونانه برداشته تعدیات و زورگوئیهای خود در حقیقت خلقهای تحت‌ستم‌مان افزوده‌اند و در این رابطه از گشتار بیش از صد هزار کمونیست و مبارز نیز دریغ نورزیدند. این فشارها و تعدیات دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی با بوجود آوردن فضای رعب و وحشت و با مختنق کردن جنبش توده‌ها آنهم با توسل به ردیالنه‌ترین شیوه‌های خونین و سرکوبگرانه فوران خشم و نفوسرت توده‌های کارگر و زحمتکش را باعث گردید، ضایعات بیشماری همچون تاثیرات مخرب روانی، در جامعه تحت‌سلطه ما پراکنده است. تاثیرات مخرب روانی و روحی‌ای که بویژه میتوان نمونه بارز آن را در طول ۸ سال جنگ خانه‌خواب‌کن و امپریالیستی ایران و عراق دید. همه میدانند که رژیم جمهوری اسلامی در تمام سیاستهای اربابان امپریالیست خود با آتش‌باری در جنگ امپریالیستی ایران و عراق در طول بیش از ۸ سال باعث گردید که حداقل ۲۵۰ هزار تن از توده‌های تحت‌ستم و به پا خاسته‌ای که قیام خونین ۲۲ بهمن را برعلیه امپریالیستها و سگهای زنجیریشان آفریده بودند در میدانهای این جنگ قربانی مطامع فدخلقی سازماندهندگان و مجریان آن گردند.

علاوه بر این جمهوری اسلامی بسا معلول، زخمی و به اسارت دادن صدها هزار تن دیگر از جوانان این مرز و بوم و همچنین با آواره نمودن ۲ میلیون نفر دیگر از هم وطنانمان و علاوه بر اینها با تخریب دهها شهر و روستا در طی جنگ امپریالیستی، نمادی از وحشیگری و خون‌آشامی سگان زنجیری را به نمایش گذاشته و هرچه بیشتر به فضای مسموم و رنج‌آور حاکم بر زندگی زحمتکشان ما افزوده است.

اگر به گواه تاریخ در طسول جنگهای غارتگرانه همواره بسیاری از

فشارهای طاقت‌فرسای حاکم بر گسار و زندگیشان و محروم بودن از ابتدائی‌ترین نیازمندیهای زندگی، در زیر تیغ رژیم جبار حاکم و سرکوبهای دیکتاتوری امپریالیستی، ناامید و مایوس بسه خودسوزی و خلق آویز نمودن خویش دست میزنند و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با لاپوشانی نقش خود در ظهور و پیدایش چنین فجایعی از پرداختن به دلایل و ریشه‌های تعداد خودکشیها، خودسوزیها و ابتلا به انواع و اقسام بیماریهای روانی سر باز میزنند. با توجه به این مختصر است که میتوان فهمید اصلی‌ترین دلیل شیوع بی‌سابقه بیماریهای روانی در حاکمیت جمهوری اسلامی همانا فقر و سهریزی و زمینه‌های اقتصادی حیثیات خفت‌بار توده‌هاست. اما رژیم مزدور جمهوری اسلامی برای تحمیل فقر و فلاکت و استثمار به مردم یعنی حفظ چنین نظام غارتگرانه‌ای به نفع امپریالیستها در طول یک دهه گذشته، از سب‌ترین استبدادها و دیکتاتوریهای ممکن بهره گرفته است. و مسلماً اعمال این دیکتاتوری عنان گسیخته در تمامی شئون جامعه خود عامل مکملی بوده و میباشد که در دامن زدن و تشدید بیماریهای روانی در جامعه نقش برجسته ایفا نموده است. در توضیح این پارامتر باید گفت که رژیم جمهوری اسلامی از همان اولین روز بقدرت رسیدنش، بنا بر انجام وظایف امپریالیستی‌ای که بر عهده‌اش نبهاده شده بود به سرکوبی جنبشهای قهرمانانه توده‌های ما پرداخت و با به خاک و خون کشیدن اعتراضات، اجتماعات، اعتصابات و همچنین آفریدن قتل‌عام و گشتارهای وحشیانه توده‌های مبارز و آگاه ما در کردستان، خوزستان و ترکمن صحرا و اعدامهای دسته‌جمعی و غیره معائب و غم‌انگیزه شوق‌آبل و صلفی را به توده‌های ما تحمیل نمود.

جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ددمنشانه و وابسته‌اش در اعمال سیاستهای سرکوبگرانه و خونین از ارتکاب به هیچ جنایتی روگردانی نکرد. گرچه رژیم منحوس جمهوری اسلامی به عبت تصور میکرد با اعمال این سیاستهای سرکوبگرانه میتواند خیلی زود موج خروشان مبارزات توده‌های آگاه ما را

از سوی دیگر همانطور که قبلاً گفته شد یکی از عوامل بسیار مهم دیگری که در بروز و شیوع بیماریهای روانی در جامعه بمثابة یک مسببیت اجتماعی نقش ایفا نموده سرکوب خونین مبارزات توده‌ای بوده که در طول سالها بعنوان یکی از مهمترین وظایف رژیم تازه بدوران رسیده جمهوری اسلامی از طرف اربابان امپریالیست‌اش بر آن تاکید شده است. بهمین اعتبار هم میباشد که ما شاهدیم که رژیم وابسته جمهوری اسلامی نیز نوکر منثانه در انجمنام ماوریت فوق‌الذکر از هیچ ردالتسی فروگذاری ننموده و سرکوب جنبش قدرتمند و عظیم توده‌های کارگر و زحمتکش میهنمان را تا حد تنفس امپریالیسم و سنگهای زنجیرش به پیش برده است. رژیم سفاک حاکم طی ۱۱ سال گذشته با دست زدن به تمامی شگردهای ضدخلقی در اعمال این سیاست امپریالیستی از ارتکاب هیچ عمل ضدخلقی خودداری نکرده است. در طول سالها دهها هزار تن از بهترین فرزندان کمونیست و مبارز خلق توسط رژیم مزدور جمهوری اسلامی در تمام سیاست امپریالیستی فوق، قتل عام گشته و هیات حاکمه کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی آزاده بمثابة فرزندان برومند خلق رزمنده ایران را با قساوت تمام به پیش برده است. تا جاییکه امروزه کمتر خانواده‌ای را میتوان یافت که جگرگوشه‌ای را بجزم دفاع از انقلاب رها شیبش خلقهای ایران از دست نداده باشد. رژیم خون آشام حاکم با سرراه انداختن حمام خون و سلاخی و شکنجه کودکان ۸ و ۹ ساله، زنان باردار و غیره تاکنون ضمن سرکوب وحشیانه انقلاب، در جهت خدشه دار نمودن روحیه و عزم انقلابی توده‌های مبارز و آگاه ما که عزم جزم کرده‌اند بساط حاکمیت شکنج امپریالیستی را از میهنمان برچینند به وحشیانه‌ترین شکلی عمل کرده است.

مجموعه این اوضاع بنویسه مسعود چنان فضای رعب و وحشتی را در اکثر حاکمیت سرکوبگرانه مزدوران امپریالیسم بر جامعه حاکم گردانیده که هرچه بیشتر موجبات تاخیرات مخرب بر جسم و روان توده‌های داغ‌دیده و رنج‌دیده ما را فراهم

آورده است. چه بسیار بدران و مادرانسی بودند که پسر از شنیدن خبر اعسدام فرزندان سرافرازشان، سگته نموده و دردم جان داده‌اند و چه بارماندگانی که با شنیدن خبر مرگ جگرگوشه‌هایشان دچار فریاد روحی و عواقب تاثر بار دیگری شده‌اند.

بله به دلیل همین واقعیت‌ها هم هست که اگر امروز مشاهده میکنیم که ۱۰ میلیون تن از هم میهنانمان دچار چنین عواقب ناگواری یعنی مبتلا شدن به بیماریهای روانی گردیده‌اند با قاطعیت باید بگوئیم که تنها عامل بوجود آوردن چنین فجایعی، رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری وابسته حاکم است.

بله اگر امروز کارگزاران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به وجود ۱۰ میلیون بیمار روانی در میهنمان اشاره میکنند. بدون آنکه به دلایل و ریشه‌های پیدایش چنین معاشی در جامعه که در بالا به برخی از آنها پرداخته شد اشاره‌ای نمایند؛ این فریادگری آنان تلاش مذبوحانه‌ای است که رژیم مزدور بمنظور به انحراف‌گشتاندن افکار عمومی توده‌ها از علل واقعی این مصیبت‌ها و همچنین لاپوشانی نقش خود در آفرینش چنین معاشی به خرج میدهد. بنیوده نیست که رژیم وابسته حاکم گاه و بیگاه در رسانه‌های جیره‌خوار خویش زبوتانه سعی میکند علل تشدید بیماریهای روانی را به عوامل فرعی و نه اساسی و اصلی که همانا حاکمیت نظام سرمایه‌داری وابسته و رژیم حافظ آن جمهوری اسلامی است ربط دهد.

در این میان بد نیست ببینیم که توصیه سردمداران مزدور جمهوری اسلامی در مقابل تمامی تا ملایمات فوق برای توده‌های رنج‌دیده ما چیست؟

رژیم ولیح جمهوری اسلامی چند روز پیش توسط روزی نامه جیره‌خوار کیهان در مقاله‌ای بنام "گریه کنید برایشان مفید است" به شکلی بیشرمانه ضمن استناد به چشم پزشکان میگوید: "با گریه کردن هم سلامت جسمی خود را باز مییابید و هم به آرامش روحی میرسید".

ترجمان عملی این عبارات و قیحانه نیز چیزی نیست جز توصیه و تشویق توده‌های بنجان آمده از مظالم امپریالیستی، به افک زبختن و شکنج در مقابل شرایط

و مناسبات ضدخلقی حاکم. جمهوری اسلامی با این توصیه ضدخلقی عملاً از توده‌های رنج‌دیده میخواهد که در مقابل تمامی مظالم حاکمیت امپریالیستی نظیر فقر و فلاکت و گران و بیکاری، فساد و فحشاء و غیره، فقط غم و غمه بخورند، و ضمن تمکین به قضا و قدر الهی که چیزی جز لغافسای برای توجیه اعمال جنایت‌بار حکومت جمهوری اسلامی نیست، داغ ننگ تحمل دیکتا توری دلت‌بار امپریالیستها را با دست روی دست گذاردن بر پیشانی خود بگویند و سرانجام نیز اگر به لحاظ روحی خیلی به آنها فشا و آمد گریه‌کنند چون برایشان مفید است! زهی وقاحت و بیشری! لیکن در حقیقت امر جوهر توصیه اخیر جمهوری اسلامی چیز دیگری است. جمهوری اسلامی ضدخلقی در واقعیت از کارگران و زحمتکشان میخواهد تسلیم بی‌چون و چرای مظاهر و سیاستهای امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته در میهنمان گردند! بهمین دلیل هم هست که روزی نامه‌های مزدور رژیم از مردم میخواهند که "گریه کنید، چرا که با گریه کردن هم سلامت جسمی خود را باز مییابید و هم به آرامش روحی میرسید". اما برغم این سخنان و قیحانه هیچ انسان هوشیار و عاقلی نمیتواند به خود بقبولاند که با گریه داشمی میتوان هم به بلاست جسمی رسید و هم آرامش روحی پیدا کرد. چرا که اصولاً انسانهای همیشه آندوهگین و در حال گریه هیچگاه نمیتوانند انسانهای سالمی باشند. توده‌های مبارز و آگاه ما برغم تمامی در فشانیهای ضدخلقی رسانه‌های جیره‌خوار رژیم بخوبی میدانند که اگرچه گریه و اشک ریختن بازتابی طبیعی و انفعالی از محاسن احساسات پاک‌انسانی و نمایانگر غم و اندوه و گناه حتی اوج شادایی است که افراد را فرا میگردد، اما در عین حال آنها باید بدانند که اشک ریختن و گریه کردن بیه شرط آنکه بیک رفتن و واکنش داشمی در مقابل تا ملایمات و معاصب زندگی توده‌ها تحت حاکمیت غارتگران امپریالیستها بدل گردد، حتی اگر بقول معروف در لحظه باعث "سبک" شدن فرد گردد ولی او را نسبت به مبارزه طبقاتی و مقاومت عملی بی‌میل و بی‌رفت میسازد.



دراز نمایند، چراکه این امپریالیستها و مزدوران بی‌مقدارشان یعنی سردمداران مزدور جمهوری اسلامی‌اند که باید برای آینده تارومحتوم خویش اشک بریزند و گریه کنند، چون خلقهای ما عزم جزم کرده‌اند دشمنانشان را به سزای اعمال جنایتکارانه خود برسانند و سلطه امپریالیستها و سگان زنجیریشان را برای همیشه از میهن دربندشان بکنند و حاکمیت انقلابی کارگران و زحمتکشان را بجای آن برقرار نمایند. حاکمیتی که در آن نه دیگر از چنین معاشیب جانفرسائی غبری خواهد بود و نه دیگر از سیل عظیم محرومینی که تحت مناسبات غارتگرانه حاکم بر جامعه به‌خودسوزی و خودکشی دست میزنند و با تحت تاثیر مغرب عارفه‌های نظام استثمارگر حاکم متحمل فشارهای روانی میگردند.



اسلامی با چنین اهداف پلید و فساد انقلابی است که در هر فرصت به هزاران هزار خانواده‌های قربانیان جنگ و بی‌انقلابیون تیرباران شده و هزاران هزار خانواده‌هایی که زیر فشار شرایط دهشتناک زندگی جانشان به لب‌رسیده و با ۱۰ میلیون بیمار روانی توصیه میکنند که گریه کنند برایتان مفید است. اما خلقهای رزمنده ما همواره به امپریالیستها و مزدورانشان نشان داده‌اند که تسلیم ناپذیرند و جواب این اراجیف رژیم را با تداوم و گسترش مبارزات عملی خویش در میدانهای جنگ انقلابی خواهند داد. کارگران و زحمتکشان مبارز میهنستان باید همچون گذشته، اشک را به نظرت، گریه را به اعتراض و طغیان تبدیل نموده و دستهای قاچ قاچ شده‌شان زیر سلطه سرمایه‌داری وابسته را نه به سوی آسمانها که برای برداشتن سلاح بر علیه دشمنان مزدور و مکار خویش

درست بدلیل آگاهی از چنیبن حقیقتی هم هست که مزدوران امپریالیسم در ایران یعنی آخوندهای رذل و پست حاکم سالهاست که با تشویق توده‌ها و با صرف انرژی و امکانات گزاف در چهار گوشه مملکت، ضمن به راه انداختن مراسم تعزیه و روضه‌خوانی و سینه‌زنی از توده‌های تحت‌ستم میخواهند که در راه اسلام و خدا گریه کنند تا هم از صواب آن بهره‌مند گردند، و هم "سبک" گردند؛ چراکه آنها به این ترتیب میخواهند خشم و نفرت مبارزات سستی توده‌های بجان آمده در مقابل مظالم سرکوب رژیم مزدور جمهوری اسلامی را با به شکن و گریه واداشتن آنها، تخفیف دهند و ضمن انحراف افکار عمومی و فریب توده‌ها پتانسیل مبارزاتی آنها را کنترل و مهار نمایند. بلکه سردمداران مزدور جمهوری

جناب نوری وزیر کشور برای لاپرواخی واقعیت را قبول کند. از سوی دیگر به دنبال سخنان پوچ و گمراه کننده وزیر کشور معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور جمهوری اسلامی طی مصاحبه ای با مطبوعات جبهه‌مخوار رژیم در مورد این سرقت افکار ثروت عمومی کشور بازم در حالیکه میکوشید این فحاحت مالی را وارونه جلوه دهد با استیجابگی به شکلی ناخوشایند اعلام کرد که "بر فرض که اجناس کشف شده طلا نیز بودند مسئولین زاندارم سری مجاز به انتشار خبر نبودند" همین اظهارات نیز به طرز روشن تری نشان میدهد که جناب وزیر کشور بی‌بهره میکوشد تا با تروغبرنازیهای مذبوحانه ۱۰ تن عمراطلا را در انتظار توده‌ها آهن و سرب و غیره جایزند. استیجابگی و هراس وزارت کشور نیز از انتشار خبر کشف سرقت ۱۰ تن طلا و انتقاد به همپالگی‌های در زاندارم سری به دلیل

## جمهوری اسلامی و معضل لاپوشانی ده تن شمش طلا

بوده است. اما این تروغ ناخوشایند فقط به نرد نمن علیه خود جناب وزیر کشور جمهوری اسلامی میخورد. چرا که قبل از آن بلندگوهای رژیم و از جمله رانروی جبهه‌مخوار دولتی با قاطعیت خبر کشف ده تن شمش طلا را در مرزهای جنوبی پنهان کرده بودند. علاوه بر این حتی پس از این اظهارات نیز فرمانده زاندارم سری ضدغلتی رژیم در توضیح چگونگی کشف این محموله بار دیگر خود و جناب وزیر کشور را لو داد و با استناد به حرف دو تن از زرگرانی که در محل حاضر شده بودند تصدیق نمود که محموله مذکور ه عمهای طلا بوده‌اند نه آهن و سرب و ..... بنا بر این ناگفته بی‌بازگشت که هیچکس نمیتواند دروغهای وقاحت‌بار

از صفحه ۲۱  
به آن بار دیگر توده‌های آگاه ما بعینه دریا فتند که سردمداران رژیم ترمقیلی نجومی و ثروتهای کشور را به پشمنا برده و با تزیینهای کلان خویش و فخر و فلاکت هرچه بهتری را بر مردم محروم ما تحمیل مینمایند. در حالیکه با وقاحت تمام به اعدام و زندان سارقین کوچک میگردانند.

اندکی پس از پنهان خبر کشف شمش محموله نزدی‌ها مل ۱۰ تن طلا در مرزهای جنوبی کشور توسط ما موران زاندارم سری وزیر کشور رژیم به صحنه آمد و بنحوی مسخره‌ای اعلام کرد که گویا این محموله طلا چیزی جز فلزات معمولی نظیر آهن و برنج و غیره نبوده و فقط هبه طلا

برخی از غارتگرها و نژدیه‌های کلان سردمداران و کارگزاران رژیم قاعدتا نه امری اتفاقی و یا براساس با اصطلاح وظیفه شناسی مقامات و مزدوران انتظامی رژیم در این یا آن ارگان سرکوبگر، بلکه اساساً معلول تضادهای درونی باندها و جناحهای تبهکار و غارتگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی است. تبهکارانی که در جریان جنگ و جدالها و تضامات درونی مزدوران بر سر کسب کرسیهای قدرت و تقسیم اموال غارت شده خلق هر آنگاه که از چگونگی تقسیم سهم به بغض برده شده ناراضی بوده‌اند و یا اختلافات با همپالکیها بالا گرفته مبارت به رو کردن گویند کوچکی از فساد گسترده و اعمال ضد خلقی رقبای نموده‌اند. بمبارت دیگر هرگاه مزدوران رژیم منفور جمهوری اسلامی بر سر تقسیم اموال غارت شده و نژدیهها و سوء استفاده‌های مالی نجومی‌شان و یا بر سر تقسیم کرسیهای قدرت در نظام منطحا امپریالیستی که مترادف با فرصتی برای به جنگ آوردن منافسین بهشتی و خدمتگزاران فزونتر به اربابان امپریالیست‌شان است به توافق نرسیده‌اند، طبیعتاً در جریان کفینکها و تضادهای درونی شان سعی کرده‌اند تا از کانالهای دیگر و مثلاً با بر ملا نمودن گوشه کوچکی از نژدیهها و غارتگرهای همپالکیهای رقیبشان آنها را عقب رانده، یا حداقل به آنان فشار وارد آورد. از اینگونه نمونه‌ها در گذشته نیز بسیار بوده است. توده‌های تحت ستم ما بارها

کوس رسوائی جمهوری اسلامی و سرقت ۱۰ تن عمده طلا را در هر سر کوی و برزن با صدای بیشتری به صدا در آورد. اما پرسیدنی است که چرا جمهوری اسلامی میکوشد که محموله نژدیه شده ۱۰ تن عمده طلای مکشوفه را آهن و سرب جلوه دهد؟ و تلاشهای مذبحانسه رژیم در روزهای اخیر در انظار توده‌ها معلول چیست؟ برای یافتن پاسخ این سوال نخست لازم است که تازه‌ترین اظهارات فرماندهان و اندامسری رژیم را بررسی کنیم. اما قبل از اینکه به اظهارات سرباها، تخاص و عوامفریبانه فرمانده مزدور و اندامسری ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی در مورد غارت محموله ۱۰ میلیارد دلاری طلای کفسور بپردازیم باید به نکته‌ای اساسی توجه خود. اصولاً سرقت و غارت امسوال و سرمایه‌های کفسور از سوی سردمداران و کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی بهیچوجه مقوله تازمای نبوده و نیست. کارگران و زحمتکشان ما از بدو حاکمیت ضد خلقی این رژیم بارها شاهد بر ملا شدن نژدیهها و سوء استفاده‌های مالی سالی سردمداران نزد و فاسد جمهوری اسلامی طی سالهای منید بوده‌اند و مورد اخیر این غارتگرهای نجومی ثروتی کفسور و حاصل غری و خون کارگران و زحمتکشان میهنمان یعنی نژدی ۱۰ هزار کیلو عمده طلا نیز بمنابا به مفتی از خروار است که دست نژدان واقعی کفسور یعنی سربان مزدور جمهوری اسلامی را بهیچ از بهیچ در انظار توده‌های محروم رو کرده است. اما باید تاکید کنیم که لو رفتن

اعلام این خبر نیز نفعان مینا دکه فقیسه خیلی هم ساده نیست و پای یک نژدی بسیار کلان و مهیتر از آن نژدان بسیار گردن کلفتی نظیر سردمداران مزدور جمهوری اسلامی در کار است که سگسان زنجیری را به تکاپو انداخته که به هر نحو ممکن ارزین محموله طلای ۱۰ تنی فوق الذکر را کاهر دهند بنا بر اینس نروغ گویی آمیخته با ستیاجگی جناب معاون هم مضحکتر از آن عد که کمکی به لایوشانی نژدی و غارت اموال خلق از سوی سگان زنجیری حاکم بنماید.

اما قضیه باز هم بیخ بنما کرده. با بالا گرفتن رسوائی نژدی ۱۰ تن طلای کفسور پنجشنبه گذشته رژیم غارتگر و سرکوبگر جمهوری اسلامی در یک اقدام فریبکارانه دیگر جمعی از مزدوران خویش و از جمله فرماندهان و اندامسری را به محله فرستاد تا غایبند بتوانند با نروغ با فیهای خود آبی بر آتش خشم خلقیهای در زنجیرمان ریخته و حتی امکان تلاش کند تا رسوائی و فضاحت فوق الذکر سران رژیم را ماستمالی نماید.

گرچه فرمانده مزدور و اندامسری نیز گویند که در این نمایش و در مقابل " نژدان نیز کردنیهای مقامات وزارت کفسور که چرا ماهیت محموله طلا رو شده است، طلاهای مکشوفه را مس و آهن فلیماد نموده و خود و مزدوران را بهی تقسیم جلوه دهد. اما تمامی اینست و باز نژدیهای مذبحانسه برعکس انتظار مقامات جمهوری اسلامی و نروغهای این رژیم را در مورد نژدی فوق الذکر بهیچ از بهیچ رو نموده و

جاودان باد خاطرۀ تمامی شهدای بخون خفته خلق!

شاهد بوده اند که در مواردی نظیر سو<sup>۱</sup> استفاده های کلان مقامات رژیم در بنیاد نبوت، کارخانه سایپا و ... آمار نجومی سو<sup>۱</sup> استفاده های این سگان زنجیری در وزارتخانه ها و ارگانها و نهادهای ضد خلقی و قارتگر نظام بارها به مطبوعات و بلندگوهای رژیم تکرار پیدا کرده است، اما پس از مدتی عاملین این سرقتها و اختلاسهای میلیونی و میلیاردری نه تنها مورد پیگرد قانونی قرار نگرفته اند بلکه دوباره در وزارتخانه ها و یسای نهادهای دیگر رژیم بهمان اعمال پلیدو ضد مردمی خویش ادامه داده و میدهندو حتی در مواردی هم که رژیم مجبور میشود برخی از این پرونده ها را در دادگاههای خود مورد بررسی قرار دهد قاعدتا چهره متهمین اصلی لاپوشانی میگردد.

پس قبل از هر چیز توده های تحت ستم باید بدانند که سو<sup>۱</sup> استفاده های میلیونی و میلیاردری کارگزاران و سردمداران رژیم اولاً مربوط به دیروز و امروز و یک یا دو مورد نیست و در آینده نیز ما به کرات شاهد آن خواهیم بود، ثانیاً افشا شدن و تکرار برخی از اینگونه نزیه های میلیاردری دقیقاً معلول تشدید اختلافات و تضادهای درونی کارگزاران دزد و فاسد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بوده و میباشد و خیمه صعب بازیه و نمایشات ضد خلقی و فریبکارانه رژیم برای به انحراف بردن افکار عمومی توده ها از عوامل اصلی این نزیه ها نیز در ماهیت قضایا هیچ تغییری بوجود نیآورده و نخواهد آورد. با ذکر این نکته باز میگردیم به اصل مطلب: همانطور که پیشتر گفته شد در چارچوب افتضاح مربوط به کف ۱۰ تن

شمس طلای سروقه، پنجشنبه گذشته سران رژیم، فرمانده کل ژاندارمری را به صحنه فرستادند تا با سرهم بندی متسی اراجیف متناقض و خنده دار به مقصدوی کردن افکار توده های تحت ستم و بیس توجیه فضاحت بر ملا شده اخیر سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی بپردازد.

فرمانده کل ژاندارمری در ایمن زمینه ضمن دعوت مردم به دیدن خیمه صعب بازی تلویزیونی که قرار است رژیم بزودی در مورد توجیه قاچاق ۱۰ تن طلای مملکت به خارج از کشور به اجرا درآورد در توضیح چگونگی توقیف محموله ۱۰ تنی طلا توسط ماموران ژاندارمری استان هرمزگان میگوید: «ما مورین وقتی اینو می بینند پشمار خوشحال میشوند. گزاره می دهند به ناحیه ژاندارمری هرمزگان. برادران ما در این ناحیه هم وقتی با تهران تماس میگیرند با ارشادی که از ستاد مرکزی بهشون میسه هیئت متشکل از رئیس ستاد ناحیه و فرمانده حفاظت اطلاعات ناحیه و تنسی از برادران عقیدتی - سیاسی به محصل گسیل میکنند و آنچه که ظاهراً آنجا پیدا اند، این شمرها به شکل کاملاً شمسه طلا هست و هر بهننده رو این تصور رو ایجاد میکنه و این رو با خوشحالی اعلام میکنند که اینها شمسه طلا هست.» این مزدور سپس در ادامه سخنان فریبکارانه اش اعلام کرد که حتی ۲ نفر زرگر در محل حاضر شدند و ۲ تن از آنها هم تصدیق کرده اند که محموله طلاست، اما با این حال فرمانده ژاندارمری مرکز با وقاحت تمام اعلام میکند که «واقعا آنچه حقیقت باعه با مردم عزیزمون با مردم خوبمون در میان میگذاریم، خوب آمده تجزیه شده در انرژی اتسی در بعضی از

آزمایشگاههای دیگر آنچه نشان داده شده از چند شمسی که تا حال تجزیه شده این است که اینها برنج و یا مثلاً آهن و مس و چیزهای مشابه به این و فاسد طلا هست.» استدلالها و دروغ باقیهای مزدوران رژیم به منظور لاپوشانی فضاحت اخیر غارت ۱۰ تن طلای کشور بقصدی ابلهانه و بچه گانه است که کمتر کسی را میتواند بفریبد، چرا که اولاً نه تنها مامورین مزدور رژیم و فرماندهان نشان که برخلاف نارای آنها سال تجربه در امر مبارزه با قاچاق بوده و نارای تجربیات عملی بر طبق وظایف سرکوبگرانه خویش نیز هستند بلکه حتی بسپای از توده های عامی هم میتوانند بطور مثال طلا را از آهن و برنج و غیره تشخیص دهند چه رسد به هیئتهائی که به اعتراف فرمانده کل ژاندارمری رژیم مزدور جمهوری اسلامی پس از قضیه در محل حاضر شده اند و حتی بنا به اظهار این مزدور دو تن از زرگران نیز جنس محموله مزبور را طلا ارزیابی کرده اند. بنا بر این مقامات دزد و فاسد جمهوری اسلامی و فرمانده مزدور زندامری نمی توانند از این ترفند مسخره برای خود باری ببندند و ۱۰ تن شمسه طلا را که در هر حال برق آن چشمان زندان غارتگری نظیر مقامات و سران جمهوری اسلامی را کور کرده است را قلع و سرب جلوه دهند. ثانیاً بنا به گفته فرمانده ژاندارمری رژیم مسئله بقصدی جدی و مهم بوده که بلافاصله بنا به دستور مقامات بلند پایه رژیم برای انتقال محموله فوق از نیروهای هوایی ارتش استفاده شده و تدابیر امنیتی ویژه ای به این منظور آغاز میشود و اتفاقاً همین اقدامات وسیع به نوبه غسود نشان

نستیاچگی سردمداران رژیم و تلافی است که آنان در جهت انتقال ۱۰ تن عمش طلا و نه سرب و آهن بی ارزش به تهران به کار گرفته اند. ثالثا اعتراض و خصم مقامات رژیم که از سوی معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور در مساجد بنا مطبوعات جیره خوار رژیم نسبت به ترحم خبر کف ۱۰ تن طلای قاچاق از سوی زاندا مری رژیم برملا گفته نشان میدهد که اساسا سردمداران رژیم از ترحم این خبر و توقیف محموله سرقت عده اموال خلق بکلی غافلگیر و شوکه گردیده اند. رابعا اگر سران مزد و غارتگر جمهوری اسلامی که تناقضات و تضادهای ترونی مان باعث لو رفتن طرح غارت بک میلیاردر دلاری ثروت کشور شده ریگی در کف سه نباشته و سرخ اصلی این غارتگری و حیفانه در دست آنها نبوده چرا میبایست وحدت زده به دست و بازوهای مذبحخانه افتاده و چارو چنگال کمرکننده ای راه به اندازند و آسمان و زمین را بهم بیافزینند تا ثابت کنند که محموله قاچاق فوق الذکر طلا نیست و گویا آهن و برنج و غیره می باشد. آنها اعترافات صریح خود مقامات نزد و فاسد رژیم و تناقضات گفتارهای بعدی آنها و ترو فکوتیها و نستیاچگیهای مذبحخانه آنها در مقابل افکار عمومی و همچنین اقدامات پرهزینه و بالاتر از همه این دلایل سابقه درخشان سگان زنجیری امپریالیسم در نزدیها و جهاولیهای نجومی اموال خلق در طول ده سال گذشته خود بهترین ادله برای افشای نستان

غارتگر رژیم در نزدی ۱۰ تن عمش طلا نیستند؟ در پایان باید تاکید کنیم که نزدیها و اختلاسهای میلیونی و میلیاردری سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که در طول سالها چاکرمنی برای اربابان امپریالیستان و وظیفه ای جز غارت و سرکوب توده های کارگر و زحمتکش نداشته و ندارند به هیچ رو امر تازه ای نیست و سرقت نجومی اخیر بعضی به تاراج بردن ۱۰ تن طلای کشور نیز در ادامه همان غارتها و نزدیها و اختلاسهای سگان زنجیری حاکم صورت پذیرفته و به یک آخرین مورد آن هم نخواهد بود. همچنین توده های آگاه و رزنده ما بسه یمن ترک ماهیت ده سال حاکمیت جنایتکارانه رژیم مزدور جمهوری اسلامی هویدا تر و آگاهتر از آنند که نسبت به جلالتان و دخلکاران رژیم توهمی نداشته و همیشه شب بازیهای تبلیغاتی و تلویزیونی این رژیم بتوانند انان آنان را به اعتراف کشانده و در شناخت صحیح آنها از سردمداران نزد و فاسد رژیم جمهوری اسلامی به عنوان سگ زنجیری امپریالیسم و جانیین خلف رژیم مزدور شاه و حافظ نظام گندیده سرمایه داری وابسته خلقی وارد سازد. نزدی و فساد جزئیات رژیمهای مزدور می باشد و رژیم فاسد جمهوری اسلامی نیز رژیمی وابسته به امپریالیسم است که به حد غایت از مفات کشیدی نظیر تاراجگری و تبهکاری برخوردار است با توجه به این واقعیات است که می توان فهمید در و شهرنازیها و جنجالهای اخیر جمهوری اسلامی در رابطه با ماستمالی قضیه ۱۰ تن عمش طلا از کجا نجات می گیرد.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی ضد خلقی در انظار توده ها به هیچ رو نمی توانست تقبل کند که یک محموله قاچاق ده تنی شمشهای طلا را کشف کرده است. چرا که امروز حتی ساده ترسین اذهان بزرگتی میتواند بفهمند که هنگامیکه های نزدی ۱۰ تن عمش طلا به میان می آید آنها عمش طلایی که قاعدتا با این حجم کلان فقط می تواند در اختیار بانک مرکزی رژیم باشد، پس حتما نستانی از ترون خود رژیم گرداننده این نزدی بی سابقه بوده و می باشد. به دلیل همین واقعیت ساده هم هست که در روزهای اخیر رژیم ضد خلقی تمامی هم خویش را به کار انداخته و میکوشد ۱۰ تن عمش طلا را مقداری آهن و قلع و سب کالاهای بی ارزش دیگر معرفی کند. اما به حال بفرم اینکه دم خروس و سب عبارت صحیحتر بری کورکننده عمشهای طلای نزدیده عده از زیرعبای ملایم بیرون زده است. نقشه های حساب شده برخی از سگان زنجیری رقیب در هیات حاکمه و همچنین ناعی گریهای عده ای دیگری از ابادی رژیم در توجیه و ماستمالی قضیه به بار نبسته و باعث شده که این روزها ساله پنهان ساختن سرقت ۱۰ تن عمش طلا از جلوی چشمان توده ها به مشکل بزرگی برای سران نزد و فاسد جمهوری اسلامی بدل گردد و رسوائی دیگری بر رسوائی های آنها بیفزاید.



پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها

## به مناسبت ۳۱ شهریور نهمین سالگرد آغاز جنگ امپریالیستی ایران و عراق

از صفحه ۲۱

فجایع جنگ شهرها و بیکراهی له شده کودکان و نوباوگانی که در زیر آوارهای از انفجار موشکهای خانه خراب کسن هنوز که هنوز است خم و نفرت هراسان پاشرف و آزا بخواه را بر علیه کارگروانان و مجریان آنها بر می انگیزد و صدها میلیاردر دلار خسارت مادی را موجب شده است . مض نمونه کافی است اشاره کنیم که خسارات این جنگ حتی بر اساس برخی از گزارشها به رقمی نزدیک به ۱۰۰ تریلیون و ۲۵۰ میلیارد دلار بالغ شده است علاوه اینکه این جنگ بیکار دیگر آئینده تمام نمای وحدتگری و دیندنه خوبی امپریالیستهای غارتگر را بنمایش گذارد . رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اسال نیز مانند سالهای گذشته به مدد اربابان تبیکساری میگوید تا با برپائی نمایشات گوناگون و بمباران تبلیغاتی توده های تحت ستم بر نفس جنایتکارانه و ضد خلقی اش در پروسه ۸ سال جنگ امپریالیستی ایران و عراق هاله ای از اکانیب و خرافه برگسترانده و چهره دندنی و مزدوری خویش و بویژه اربابانش را در طراحی و آتش بیاری در این جنگ بزرگ نماید .

جریکهای فدایی خلق ایران از همان روزهای آغاز جنگ با تحلیل روشن و مارکسیست - لنینیستی خویش از مجموعه شرایط آنزمان بدستی ماهیت جنگ را

امپریالیستی ارزیابی کرده و خلقهای تحت ستم میهنمان را از حرکت در آن بر حذر داشتند جریکسها به کارگران و زحمتکشان ما گفتند که هدایت کنندگان و کارگروانان واقعی این جنگ کسانی جز دشمنان خلق یعنی امپریالیستها و روزهیونیستها نیستند . آنها همچنین با جارت خویش به توده ها گفتند که این جنگ به خاطر مصالح اربابان امپریالیست جمهوری اسلامی است که برپا شده و بسه راستی گذشت زمان و تجارب بدخمسار سالهای جنگ و چگونگی برقراری آتش پس در آن ، امروز بیش از پیش صحت این نظرات را به ثبوت رسانده است .

همه می دانند که سران جمهوری اسلامی و در راس آنها خمینی نژخیم این جنگ خانمان برانداز را برکت الهی خواندند . الحق هم کسه این آدمکی تاریخی برای امپریالیستها و سگسان زنجیریشان در سطح منطقه برکات بیمعلی در برداشت . جنگ ارتجاعی ایران و عراق در طول ۸ سال تداوم خونبار خویش بازار خوبی را برای انحصارات غارتگر فراهم ساخت . گردانندگان این بازار خونین ، یعنی امپریالیستها و همپالگهیای روزهیونیستها با سونا گیری برسرجان و مال خلقهای تحت ستم ایران و عراق سوندهای کلانی را به کپسه های خویش سرازیر نمودند . به مدد این جنگ و

امپریالیستها که بحران اقتصادی گریبانگیرشان هر روز فزونی می یافت ، توانستند با سرازیر کردن صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی به طرفین جنگ و کشورهای وابسته خاصه خلیج فارس تا حدودی در کنترل و کاهش بحران اقتصادی خویش موفق گردند . در ضمن میدانهای خونبار این جنگ بهترین عرصه ای بود که امپریالیستها و روزهیونیستهای جنایتکار به قیمت به خاک و خون کشیدن توده های زحمتکش و سلاخی نمودن صدها هزار تن از آنان ، آخرین سلاحهای خویش نظیر گازهای سمیهای و همچنین قابلیت آنها را در گفتار توده ها بسا آفرینن قجایع متعدد امتحان کنند . همچنین اگر این جنگ امپریالیستی از یکسو به رونق یافتن بیشتر تولید کارخانجات سلاح و تجهیزات نظامی در کشورهای امپریالیستی آنها منتهی شود دیگر فرصتی بود برای امپریالیستها و روزهیونیستها که تحت عنوان تاملین صلح منطقه و آزادی گفتیرانی در خلیج فارس مهلتی را به جنایتکارانه خویش را بر علیه خلقهای محروم گسترش دهند . علاوه اینکه شعله های آتش این جنایت بسابقه در هر میدانی که گسترده میشود جز تحمل دهشتناکترین سرکوب و استئمسار بر علیه خلقهای منطقه و بسویژه خلقهای تحت ستم میهنمان ، مابذازائی از خود به جای نمی گذاشت .

علاوه بر اینها جنگ امپریالیستی ایران و عراق هم فرصت مناسبی بسود برای رژیم مزدور جمهوری اسلامی تا با سرکوب جنبشهای انقلابی و توده های تحت ستم از سقوط مناسبات ظالمانه

سرمایه داری وابسته در کشور جلوگیری کند و هم فرصتی بود در دست امپریالیستها تا برای سرکوب سهلتر پراتیک انقلابی و ضد امپریالیستی توده‌ها در سطح منطقه کل منطقه را به نژدی نظامی تبدیل نماید.

توده‌های تحت‌ستم ما شاهد بودند که چگونه آبادی تازه به دوران رسیده امپریالیزم در حالیکه در گرما گرم این جنگ نعره‌های پوچ ضد امریکائی و ضد امپریالیستی سر میدادند با انگپانسی نظیر ستون پنجم دشمن، عامل بهگانسه، ضد انقلاب و غیره آگاهترین فرزندان ضد امپریالیست و انقلابی خلق زحمتکشی را شکنجه کرده و اعدام مینمودند. به برکت این جنگ هرگونه ندای آزادیخواهان توده‌ها زیر چکمه‌های خونین مزدوران جمهوری اسلامی لگدمال شد. تعرض ضد انقلابی به حقوق عادلانه خلقها و بویژه خلق کرد شدید گفت و خالصه اینکسه جمهوری اسلامی به برکت جنگ امپریالیستی بر سر هر کوی و برزن چوبه‌های دار و بساط تمیز را گسترانید.

۸ سال جنگ ارتجاعی ایسران و عراق در ضمن مجرای مناسبی شد که امپریالیستها، کثافات و رسوبات بحران نظام پوسیده خویش را به مدرژیسمهای تبهکاری نظیر جمهوری اسلامی بسر نوب خلقهای ما سرشکن نمایند. تعدید فقر و فلاکت، گسترش مفاسد اجتماعی نظیر اعتیاد و فحشاء، رکود تولیدات در هزاران کارگاه و کارخانه، تعدید گرسنگی و بیکاری، افزایش سرسام آور

قیمتها و غیره گرچه جزو مقوله‌های جدائی ناپذیر نظام سرمایه داری وابسته ای هستند که سگان زنجیری حاکم وظیفه حراست و نگهبانی از آن را برعهده دارند. اما جای تردید نیست که تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق و سرزیر شدن قریب ۲ از نارائسی و سرمایه‌های کشور به اعتراف خود مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به این امر نقیص تعیین کننده‌ای در افزایش بدبختیهای دائم التزاید توده‌ها داشته است.

اینها برخی از کوچکترین برکات جنگ برای امپریالیستها و سگان زنجیریشان بوده است. برکات ضد خلقی ای که تحصیل آنها تنها با به شیشه کهنن خون کارگران و زحمتکشان میسر شده و قلم از قدرت بیان تمامی آنها عاجز است.

بهر حال جنگ غیر عادلانه و ضد خلقی در تداوم خویش عناصر و جریانات ضد خویش را در خود پرورش و رشد داد. این تضادها و بطور نمونه رشد آگاهسی و ناراضیاتی روز افزون توده‌ها، عدم کفایت مابین‌های سرکوب درگیر جنگ و غیره، جنگ را به نقطه‌ای کفاند که امپریالیستها و رویزیونیستها انامه آن را بروفق برنامه‌ها و فطامع خویش ندیدند. و از آنجا که سرخ کنترول و هفایت جنگ امپریالیستی ایران و عراق در ستفان بوده، خود مشغول تدارک ختم آن گردیدند. سرانجام رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اواخسر تهرماه گذشته بود که به رغم همه عمر و شمارهای پوچ مبنی بر تداوم جنگ تا سقوط رژیم بعث عراق و

فتح کریلا و قدس به خواست اربابانش تن داد و آتش بس را پذیرفت. دیکتاتور تبهکار جمهوری اسلامی یعنی امام مزدور بقول خودش جام زهر را بالا کشید و به این ترتیب قطع جنگ امپریالیستی یکبار دیگر برای این واقعیت که سگان زنجیری ای نظیر خمینی و اعوان و انصار جز مزدوران حقیر درگاه امپریالیسم نیستند مهر تائید زد. بار دیگر مصالح اسلام به پوشش برای لاپوشانی مصالح امپریالیستها بدل گفت و اینطور جلوه داده شد که گویا جمهوری اسلامی بفاطر مصالح خدا و اسلام است که پایان جنگ را می‌پذیرد، و نه مصالح اربابان امپریالیستش از سوی دیگر رژیم ضد خلقی بدنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بلافاصله علم به اصطلاح بازسازی را بلند کرد و بلند گویای رژیم که تا دیروز مروج و مبلغ جنگ، کشتار و ویرانی بودند مبلغ و مروج سخت بازسازی گذاشت شدند. اسلام امثال خمینی و نارونده منفورش که تا دیروز با شعارهای نصرمن الله و فتح قریب و فتح کریلا و قدس، مشغول تطهیر چهره کرده جنگ و تئوریزه کردن جنگ امپریالیستی برای توده‌ها بود این بار در هیات "بازسازی جامعه اسلامی" و غیره به کار گرفته شد تا جمهوری اسلامی ضد خلقی مصالح امپریالیستها در ایران را هرچه بهتر به پیش ببرند. این چرخش ۱۸۰ درجه‌ای رژیم مزدور جمهوری اسلامی و چگونگی آن با وضوح تمام نشان داد که این رژیم جز آلت دست و مجری سیاستها و اهداف

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم و تردید ناپذیر خلقهاست

که بنویسد خود نتیجه اجتناب ناپذیر  
تحکیم و گسترش سلطه امپریالیستی و بقاء  
مناسبات گنجه سرمایه داری وابسته  
میباشد.

بنا بر این رهائی از سلطه شوم  
امپریالیستی و برانداختن اساسی و  
ریخه های مناسبات تولیدی - اجتماعی  
و غارتگرانه موجود تنها و تنها راه  
برقراری صلح دائمی و عدالت اجتماعی  
واقعی در جامعه است، هدفی که نسل  
به آن ممکن نیست مگر با گسترش و تحکیم  
مبارزه مسلحانه توده های پرعلیه قوای  
سرکوبگر دشمن طبقاتی و برپاس آن ارتش  
نستماز امپریالیستها، تنها در این  
بستر است که توده های زحمتکش مسا  
امکان مییابند که با تشکیل ارتش  
به روزمند خود یعنی ارتش خلق در جهت  
نیل به جامعه ای نوین و آزاد یعنی  
جمهوری دمکراتیک خلق حرکت کنند.  
جمهوری ای که بیانگر حاکمیت کارگران  
و زحمتکشان با هژمونی طبقه کارگر است.  
جمهوری ای که خلق ما را سرانجام به  
جامعه ای سوسیالیستی و کمونیستی یعنی  
جامعه ای که در آن از جنگ و ویرانی  
خبری نخواهد بود، رهنمون خواهد شد  
گفت.



مملکت را بیشتر به امپریالیستهای  
تبهکار وابسته می کند. حقیقت آنست که  
اگر تا امروز بقاء مناسبات ظالمانه و  
غارتگرانه سرمایه داری وابسته و رژیم  
منفور جمهوری اسلامی با مداوم جنگ  
و کشتار و سرازیر کردن نارائی کهوربه  
جیب امپریالیستها میسر بود امروز  
بقا این مناسبات منط و تناوم عمر  
رژیم حافظ آن در علم کردن عمار نیروی  
بازسازی است شعاری که منافی چیزی  
جز بازسازی نظام امپریالیستی و بالقیجه  
غارت و استثمار هرچه بیشتر کارگران و  
توده های تحت ستم کشور نبوده و نیست  
غارت و استثمار که حفظ و تداوم آن  
جز با تشدید نیکنا توری و سرکوب و شکنجه  
توده ها و بیباکانه گمان کمونیست و مبارزسان  
امکان ناپذیر می باشد. با این توصیف  
تجربه خونین ۸ سال جنگ خانه خراب کن  
امپریالیستی و تجربه یکسال آتش بس در  
این جنگ بیانگر این واقعیت اند که  
جنگ و بازسازی رژیم اجرای یک سیاست  
واحد و دو روی یک سکه هستند. سیاستی  
که مضمون واقعی آن عبارتست از تشدید  
پورن امپریالیستها و سرمایه داران وابسته  
به کارگران و زحمتکشان، تحمیل استثمار  
و غارت روز افزون بر توده ها، تشدید  
گرسنگی و فقر و رشد تصاعدی انواع و  
اقسام بلاها و مآائب اجتماعی، مآئیبی

امپریالیستها نبوده و نیست؟ بلکه در  
جنگ با ریختن جام زهر به کام خمینی  
جلاد از سوی امپریالیستها پایان یافت.  
اما عقم جنگ بلافاصله به موقعیتی برای  
امپریالیستها و سرمایه داران وابسته  
بدل گفت که با شعار بازسازی پورن  
هرچه شدیدتری را به توده های ماسازمان  
نهند. اگر در طول جنگ تنها چیزی که برای  
گرنانندگان تبهکار آن ارزش نداشت جان  
و مال میلیونها تن از توده های محروم  
بوده در مرحله بازسازی نه زور و غنم که  
منظور از این بازسازی و تحکیم  
و تجهیز نیروهای سرکوبگر نظام میباشد  
و نه بازسازی زندگی و براننده کارگران  
و زحمتکشان - همان نظامی که سردمداران  
جمهوری اسلامی جنگ را عامل حفظ آن  
اعلام نموده و همین مورد را دلپلی بر  
"برکت الهی" این جنگ جنایتکارانه  
اعلام می کنند.

امروز نیز تا کینات مکرر سردمداران  
رژیم مبنی بر تقویت و تحکیم ارتش و  
سایر قوای سرکوبگر و اولویت آن در  
برنامه های بازسازی رژیم نشان نهند  
این واقعیت است که با وجود اتمام  
جنگ امپریالیستی، بدبختی ها و مآئیب  
توده های مایمان نیافته است. بلکه اتفاقا  
با اتمام جنگ بر ابعاد فقر و فلاکت و  
گرانی و بیکاری و غیره افزوده شده  
است. همین واقعیت نشان می دهد که  
خلقهای ستمدیده ما باید بدانند که ماهیت  
رژیم نست نماینده جمهوری اسلامی چه  
قبل از جنگ، چه در حین جنگ و چه در  
دوره به اصطلاح بازسازی هیچ تغییری  
نکرده است. رژیم ضد خلقی جمهوری  
اسلامی یک رژیم وابسته به امپریالیسم  
بوده و می باشد که اتفاقا روز بروز

### روزشماره شهریور و مهر ماه

از صفحه ۳۹

۶۰/۷/۱۲ - شهادت رفیق سیا مک اسدیان

(اسکندر) از رهبران سففا

۷/۱۲ - شهادت انقلابی کبیر ارستو

چگوارا (۱۹۶۲)

۵۰/۷/۱۷ - شهادت رفقا همایون کتیرا شی،

سهرام ظهرا ده، هوشنگ تره گل، ناصر

مدنی و ناصر کریمی از گروه آرمان خلق

۱۳۲۸/۷/۲۲ - تشکیل جبهه ملی ایران

توسط دکتر مصدق

۲/۷/۲۲ آغاز مبارزه مسلحانه در یمن

جنوبی

۵۸/۷/۲۳ - کشتار مصیادان بندر انزلی

۱۲۸۷/۷/۲۴ - تشکیل نخستین گروه

موسایل دنگرات در تبریز

۱۳۳۲/۷/۲۹ - رسمیت یافتن موافقتنامه

(ساعت - درینوس) و تجدید سازمان

ژاندارمری توسط افسران امریکائی



## اخبار و

## گزارشهای خبری

« - اخیرا عسگر اولادی به عنوان رئیس کمیته امتداد خمینی در جنوب لبنان ۵۰ هزار دلار دیگر از دسترنج مردم مستمندیده ما را به هیئت اسلامی لبنان تقدیم نمود .  
« - دولت چین در يك اقدام جنایتکارانه ۲۵ تن از پناهندهایان ایرانی که در انتظار تصمیمات سازمان ملل برای انتقال به کشورهای دیگر در چین بسر میبردند را دستگیر و به ایران بازگردانید .

در همین رابطه یکبار در ۲۱ آوریل ۸۹ و بار دیگر در ۸/۵/۸۹ پناهندهایان ایرانی به مزدوران جمهوری اسلامی در فرودگاه پکن تحویل داده می شوند عده ای از خانواده های این عده که از اخراج بستگانمان از چین آگاه شده بودند برای دیدار با بستگانمان در فرودگاه مهرآباد به انتظار می ایستند ولی نه در فرودگاه و نه پس از آن موفق به دیدار با آنها نمی شوند . اقدام جنایتکارانه رژیم پهلویستهای حاکم بر چین صفحه سیاه دیگری بر پرونده سراسر ننگین این نارودستگاه مرتجع اضافه نمود .

« - در تهران اخیرا گفتهای والعیاذالله که رسا وظیفه مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر را برعهده دارند عملا جای گفتهای مختلف سرکوبگر رژیم را گرفته و هرکسی را که بخواهد در خیابانها دستگیر و بازرسی مینمایند .

« - توری وزیر کشور جمهوری اسلامی پس از ملاقات با مشاور نخست وزیر پاکستان گفت: « موضوعات قابل بحث میان دو کشور مبارزه جدی با مواد مخدر و استرداد مجرمین و مسئله برقراری ثبات و امنیت کامل در منطقه مرزی دو کشور است که این امنیت بفتح دو کشور است . »

« - هفته نامه الوطن العربی گزارشی داد که سران سازمانهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی و سوریه و لیبی برای هماهنگی و همکاری هرچه بیشتر میان سازمانهای جاسوسی سه کشور نسبت محرمانه ای در تهران برگزار نموده اند .

« - سازمان عفو بین المللی گزارشی داد که حداقل ۵ تن از کسانی که به بهانه قاچاقچی اعدام شده اند از زندانبانان سیاسی بوده اند که جمهوری اسلامی بهرمانه آنها را بعنوان قاچاقچی اعدام نموده است . این سازمان قبلا نیز گزارشی داده بود که از ۱۶۰۰ اعدام رسماً ثبت شده در جهان و ۱۲۰۰ مورد آن در جمهوری اسلامی انجام شده که بخش مهمی از این اعدام -

« - در اوائل شهریور ماه خانواده های زندانیان سیاسی اعدام شده در بهشت زهراي تهران اجتماع کرده و به فحایح جمهوری اسلامی در زندانها اعتراض نمودند . این حرکت اعتراضی مورد توجیه و تحقیر پاسداران رژیم قرار گرفته و عده زیادی از اعضای خانواده های اینها دستگیر شدند .

« - در مهرماه امسال مزدوران جمهوری اسلامی چندین بار دکه داران تهران را به بهانه سد معبر مورد تهاجم قرار داده و خسارات سنگینی به آنها وارد ساختند . ولی علیرغم همه تضییقات رژیم بر علیه دکه داران بازم خیابانهای تهران شاهد حضور گسترده این فرومندگان جز میباشد .

« - در شهریورماه بهین سپاه پاسداران و ارتش در شهرمراسه درگیری پیوسته آمد که مسئله تا حد اسلحه کشیدن نیز پیش رفت که با نجات مسئولین شهر از انانامه درگیری جلوگیری شد .

« - از اوائل مهرماه قیمت پوماک عدینا افزایش یافت و قیمت يك عدد پیراهن معمولی به ۱۰۰۰ تومان و يك جفت جوراب معمولی به ۶۰ تا ۸۰ تومان رسید .

« - اخیرا کارخانه قند سازی پونبون واقع در شهرک صنعتی البرز قزوین ۵۱ نفر از مجموع ۲۰۲ نفر کارگران خود را بدون پذیرش کوچکترین تمهیدی نسبت به آنها با پرداخت کمتر از نصفی اخراج نموده است .

« - جمهوری اسلامی در چارچوب مبارزه با قاچاق مواد مخدر ۱۳۰ کیلومتر از مرزهای استان سیستان و بلوچستان در امتداد مرز افغانستان حد فاصل " قرتروک " و " ستارود " را به عمق سه کیلومتر منطقه ممنوعه اعلام کرده و قسمتهای از این منطقه را مین گذاری نموده است .



بهمورد این هیئت « غیرقانونی اعلام کرده و صندوقهای مزبور را مکلف نمود که تنها براساس دستورالعمل های این وزارتخانه فعالیت نمایند .

« در حالیکه کمیود آب در شهر گرگان بیناد میکند و بخش بزرگی از شهر طی شبانه روز تنها ۲ یا ۴ ساعت از آب برخوردار است . نماینده این شهر در مجلس اعتراف نمود که :

« لرسال ۶۵ و ۶۶ حدود ۱۰ میلیون تومان پول توسط مسئولین شهر جهت آب مشروب از مردم جمع آوری شد ولی معلوم نمد که این پول کجا رفت » .



شدگان را قاچاقچیان مواد مخدر تشکیل میدهند .

« در اوائل شهریور ماه نهموهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به آلودگی نشینهای خیابان زنجان در غرب تهران پورس پرده و بخش وسیعی از آلودگیهای زحمتکشان این منطقه را ویران ساخته و آنها را بیخانمان نمودند .

« یزدی رئیس جدید قوه قضائیه طی حکمی اسدالله لاجوردی جلال معروف اوین را به سمت رئیس سازمان زنداها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور منصوب نمود .

« وزارت کشور هیئت بررسی مسائل صندوقهای قرض الحسنه که به تازگی اعلام موجودیت نموده بود را به دلیل «دخالتهای

مبارز ایرانی و از جمله هواداران چریکهای فدائی خلق نیز حرکت دادند .

« در اوائل شهریورماه در شهر گوتنبرگ سوئد هواداران چریکهای فدائی خلق با همکاری هواداران تعدادی از سازمانهای مبارز در اعتراض به اخراج عدهای از پناهندگان ایرانی از ترکیه به يك اعتصاب غذای ۴۸ ساعته مبارت نمودند .

اخيرا دولت جنایتکار ترکیه در چارچوب توافقاتی که با جمهوری اسلامی نموده است ه مبارت به بازگردانیدن عدهای از پناهندگان و پناهجویان ایرانی به جمهوری اسلامی کرده است .

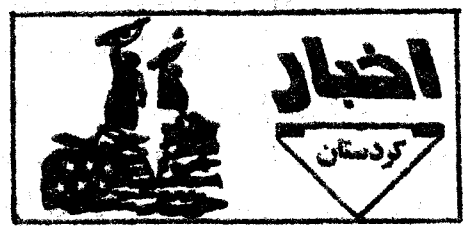
« در اواخر شهریورماه راهپیمائی برعلیه تروریسم جمهوری اسلامی در پاریس سازمان یافت که اکثر نهموهای مبارز اپوزیسیون ایران و از جمله هواداران چریکهای فدائی خلق در آن شرکت دادند .

« در اواسط شهریور ماه در وین پایتخت اتریش از سوی برخی از سازمانها و سندیکاها ی کارگری تظاهراتی برپا شد که حرکت کنندگان خواهان کم شدن ساعات کار و افزایش دستمزدها و رسیدگی به وضع بیکاران و پناهندگان خارجی و قطع دیپورت آنها گردیدند . در این تظاهرات هواداران سازمانهای

« رژیم اهالی روستاهای قوجه، حاجی با پندان و لاهی و ... منطقه انزل کردستان را تحت فشار قرار داده که اسلحه رژیم را برناخته و برعلیه بهشمگان درنگهبانی پایگاههای سرکسوب با او همکاری نمایند .

« جاعهای خود فروخته بهخانه یکی از اهالی روستای سرروه در منطقه ربط سردشت پورس پرده و ضمن ضرب و هتم اوخانهای را به آتش کشیدند .

« اهالی محروم منطقه مرزی آلوآتان بهران شهر مدنی است که از ستانیت و آزار مزدوران سر کوبگر جمهوری اسلامی که به هر بهانه ای به آزار آنها میپردازند درمان نبوده و مزدوران موسوم به تپ مدینه منوره به بهانه های مختلف زحمتکشان را مورد ضرب و هتم خود قرار میدهند و با آنها را به بهانه کمک به بهشمگان به قرارگاههای خود برده و وحشیانه شکنجه مینمایند .



« اخيرا انفجار مینی تریکی از خیابانهای شهر سنسز بیش از ۱۵ تن از توده های بیگناه را کشته و ۵۰۰ نفر از کسه تاران زحمتکشی که در این خیابان کاسبی میکردند زامجروح نمود این اقدام جنایتکارانه و اقدامات مشابه آنه که باعث قربانی شدن توده های بیگناه میگردد تنها از عهده مزدوران سوسی برمیآید که برای رسیدن به اهدافشان به هر وسیله جنایتکارانه ای متوسل میشوند .

« - پاسداران جمهوری اسلامی با آتش گشودن بروی شرکتکنندگان در یک جشن عروسی در سنندج باعث مجروح شدن ۵ تن از اهالی شدند .

« - چندی قبل جمهوری اسلامی در روستای دومان واقع در ۷ کیلومتری شهر سنندج اقدام به گرنآوری اعضای عوراهای روستائی منطقه جم غار نموده و به آنان اخطار مینماید که اهالی باید اسلحه رژیم را برداشته و از روستاها همان در مقابل پیغمبران حفاظت نمایند . اما اعضای عوراهای منطقه مزبور به این خواست تن نداده و توطئه رژیم نقش بر آب شد .

« - اخیرا شهرداری مریوان به دکه داران شهر اخطار میکند که بدلیل سد معبر باید بساطهای خود را جمع نمایند . این امر با اعتراض یکبارچه دکه داران مواجه شده و در نتیجه شهردار مریوان اعلام کرد که محل مخصوص را برای دکه داران و دستفروشان در نظر گرفته تا آنها صرفا در آنجا به فروش اجناس خود بپردازند .

« - اخیرا گروه ضربت بانه به یکی از روستاهای بخش سرشیوسفر رفته و راجع به تردد پیغمبران و محصل استراحت آنان شوالائی از روستائیان مینمایدولی روستائیان از دادن پاسخ خودداری کرده و تصمیم میگیرند این مزدوران را به خانه های خود راه ندهند . گروه ضربت بانه که با اتحاد اهالی مواجه میشوند از آنها میخواهند که حداقل محلی را برای استراحتشان در نظر گیرند که این بار نیز با پاسخ منفی اهالی مواجه میشوند .

« - روز اول مهرماه مسئولین آموزش و پرورش در مدارس سنندج و کرمانشاه صندوقهای اخاذی را برای سرکشی نمودن دانش آموزان برپا نموده بودند . براساس این گزارش مقامات آموزش و پرورش قبلا با عدهائی از دانش آموزان حزب الهی تپائی کرده و به آنها وجوهی در حدود ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان داده بودند تا جز اولین کسانی باشند که به این صندوقها پول میریزند تا بدین وسیله بقیه دانش آموزان نیز مجبور گردند موجودی جیبهای خود را به این صندوقها که تحت عنوان کمک به آموزش و پرورش گذاشته شده بود واریز نمایند .

« - اخیرا کمبود آب در شهر املویه به یکی از معضلات

« - چندی پیش دو جاش مزدور بسوی اهالی روستای کانی مریوان در منطقه مریوان آتش گشودند که بر اثر این تیراندازی دو تن از زحمتکشان روستا جان خود را از دست دادند .

« - اخیرا نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی اکثر راههای رفت و آمد کاروانچیان زحمتکش منطقه سررفت را مین گذاری کرده تا کاروانچیا مجبور شوند از مسیرهای تعیین شده توسط آنها تردد نمایند . در همین رابطه نیروهای سرکوبگر رژیم هرکسی را که خارج از مسیرهای تعیین شده در حال تردد ببینند بمنسوان پیغمرگه به گلوله میبندند . در نتیجه طی یکماه اخیر حداقل ۷ تن از کاروانچیان این منطقه قربانی این سیاست ضد مردمی گردیده و در اطراف روستای کانی زرد بر اثر برخورد با مین جان خود را از دست داده اند .

« - اخیرا خانواده های بوکانی و میاندوآبی ای که فرزندان شان در جریان جنگ مفقود الاثر شده اند با مراجعه به دست اندرکاران رژیم در شهرهای نوری الذکر خواهان روشن شدن وضعیت فرزندان شان میگردد اما فرماندار میاندوآب به جای پاسخگویی به آنها ضمن جمع آوری این خانواده ها به آنها اخطار میکند که اگر بار دیگر روی این مسئله با فشاری نمایند بعنوان ضد انقلاب با آنها برخورد خواهد شد .

« - چندی پیش اتحادیه خیاطان سنندج با پشتیبانی شهرداری مبارزت به بستن خیاطی هائی که جواز کسب نداشتند ، نمود .

« - مزدوران جمهوری اسلامی به روستای " حیرآباد " منطقه بوکان پرورش برده و به انیت و آزار اهالی میپردازند . این عمل باعث نوران غم و انزجار توندها گفته و زنان روستا در صفوفی یکبارچه با پرتاب سنگ به مقابله با مزدوران برمیخیزند اما مزدوران در مقابل این عمل یکبارچه انقلابی به سوی آنان آتش گشوده و در نتیجه یکی از زنان روستا به عیانت میرسد .

« - نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی اخیرا سه زن را در خیابان ماهور سنندج به بهانه عدم رعایت حجاب اسلامی مورد انیت و آزار قرار میدهند . این عمل با اعتراض اهالی که ناظر صحنه بودند ، مواجه گفته که مزدوران یکی از معترضین را دستگیر و به فرارگاههای خود میبرند .

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

سقز با کمبود نان نیز مواجه بوده و مجبورند نان مورد نیاز خود را با قیمت بالایی در بازار آزاد تهیه نمایند.

« - مزدوران رژیم مستقر در پایگاه روستای "بیتوش" در منطقه سردشت اطراف روستا را به رگبار بسته و باعث زخمی شدن کوندک بیگناهی گردیدند.

« - مزدوران رژیم به روستای "لقیه سلیمان" سردشت پورس برده و به آزار و انبیت اهالی پرداختند که این امر بسا اعتراض و مقاومت یکبارچه اهالی مواجه گردیده و بر اثر تعرض اهالی مزدوران مجبور به فرار از روستا شدند.

« - اخیرا مزدوران رژیم در شهر اشنویه اعضای خانسواده پیشمراگان را در سالن دهانهاست این شهر جمع نموده و آنانرا تهدید میکنند که باید هفت میکروفون رفته و اعلام نمایند که چه کسانی از دیگر اعضای خانواده هایشان پیشمراگانهند و همچنین از آنها میخواهند که در سالن بها بیزند و بر علیه اسرائیل و جنبش عادلانه کردستان شعار دهند. اما مردم تشها به دادن شعار بر علیه اسرائیل میبایست کرده و از سر دادن شعار بر علیه جنبش حق طلبانه خود امتناع ورزیدند.

« - اخیرا جاهای خود فروخته در منطقه "کلشین" ربط بسه منازل روستائیان زحمتکش ریخته و به جهاول و غارت اموال آنها پرداختند. این جاهای مزدور با تیراندازیهای خود ۸۰ راس از گوسفندان اهالی را نیز تلف نمودند.

« - مزدوران مستقر در پایگاه روستای "بره جو" در منطقه مهاباد با تیراندازی بسوی زحمتکشان بیگناه دو کسوندک را مجروح و خساراتی به اموال اهالی وارد ساختند.

« - جاهای خود فروخته به همراه پاسداران ضد خلقی به منظور انبیت و آزار اهالی روستای "بیرام" به این روستا پورس برده و به ضرب و شتم اهالی پرداختند. این عمل باعث خشم توده ها گشته و بر اثر حمله متقابل اهالی زحمتکش روستا مزدوران رژیم مجبور به ترك روستا گردیدند.

مردم این شهر تبدیل عده است و با اینکه بارها اهالی شهر برای رفع کمبود آب به مقامات رژیم مراجعه نموده اند ولی تنها پاسخی که شنیده اند این بوده که "اسال آب کم است"

« - مسئولین آموزش و پرورش شهر بانه علیرغم انعامهای جمهوری اسلامی مبتنی بر رایگان بودن امر آموزش از دانش آموزان ابتدائی ۶۰ تومان، راهنمائی ۱۲۰ تومان و دبیرستان ۲۰۰ تومان شهریه دریافت نموده اند.

« - بدلیل کمبود نان در شهر بانه نان جیره بندی عده و صنایع طولی در مقابل نانواینها تشکیل عده است. این امر باعث ناراضی اهالی و اعتراض آنها گشته و در نتیجه مقامات شهر اعلام کردند که به هر خانواده مقداری آرد برای پخت نان تحویل میدهند. اما این آرد نیز تکافوی رفیع احتیاجات اهالی را نکرده و بر این اساس اهالی شهر باید هر کیسه آرد ۸۰ کیلوگی را به قیمت ۶۳۰ تومان خریداری نمایند.

« - چندی پیش مزدوران جمهوری اسلامی به روستای "هانه سین" از توابع مریوان رفته و خود را پیشمراگه معرفی کرده و به انبیت و آزار اهالی میپردازند که با مقاومت روستائیان مواجه شده و مجبور به عقب نشینی میشوند.

« - اخیرا نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به اهالی روستاهای حومه مریوان اعلام نمودند که چون قصد مانور نظامی دارند اهالی باید مزارع خود را ترك کرده و کار نکنند. این امر با اعتراض مردمی که تشها ممر درآمد زندگیشان از کار روی زمین تامین میشود مواجه عده و بر اثر مقاومت اهالی رژیم در تحقق برنامه اش با شکست مواجه میشود اما چندروز بعد مزدوران جمهوری اسلامی بدون هیچ دلیلی به خمپاره باران مزارع روستائیان میپردازند که در نتیجه خسارات زیادی به اهالی وارد گشته و بر اثر این عمل وحدیانه يك دختر جوان جان خود را از دست داده و دو نفر نیز زخمی میشوند.

« - کمبود آب در شهر سقز مردم را با مشکلات زیادی مواجه ساخته و اهالی مجبورند آب مورد نیاز خود را به چندمین برابر قیمت خریداری نمایند. در همین رابطه اهالی شهر به شهرداری سقز مراجعه کرده و خواهان لوله کشی آب و تامین آب مورد نیاز خود میشوند ولی شهردار سقز با وقاحت به آنها میگوید که خودتان بزیود لوله بخرید و از معلات دیگر آب مورد نیازتان را تامین نمائید. جدا از کمبود آب اهالی شهر





فلوریدا و کالیفرنیا از رقم بسیار بقیه‌ای برخوردار گردیده است. طبق همین گزارش روزانه بطور متوسط ۲۰۰ کودک معتاد تنها در این دو ایالت متولد میشوند.

« روزنامه پراونا به نقل از الکساندر ساغارف داستیان کل شوروی اعلام نمود که ارتکاب جرائم در شوروی در نیمه اول سال ۱۹۸۹ به یک میلیون نفر رسیده است که نسبت به مدت معافه در سال قبل ۳۲٪ افزایش نشان میدهد. و این تعداد بالاترین حد در ۲۰ سال گذشته میباشد.

افزایش ارتکاب جرائم در شوروی انعکاسی از بحران حاکم بر این کشور و سلطه طولانی روسیونستها بر آن میباشد. « دولت آمریکا اعلام نمود که برای مبارزه با مواد مخدر ۷ گروه آموزشی از نیروهای نظامی خود را به سه کشور پرو، بولیوی و کلمبیا اعزام نموده است.

« رئیس سازمان سیا CIA از رئیس جمهور و کنگره این کشور خواست که به منظور سرکوب جنبشهای کارگری و آزادیخواهی در سراسر جهان آزادی بیشتری به این سازمان جاسوسی و ضد خلقی داده شود.

« سازمان آمار دولتی ترکیه اعلام کرد که درآمد ماهانه قریب به ۲۱ میلیون تن از توده‌های ستمدیده این کشور ماهانه تنها حدود ۲۹ دلار میباشد. یعنی تقریباً روزی یک دلار.

« بنا به گزارش خبرگزاریها ۴۰ میلیون کودک هر سال در هندوستان روزانه بین ۱۰ الی ۱۴ ساعت کار کرده و بیشترین وجهی استثمار شده و غیره جانان بوسیدنی سرمایه‌داران جنایتکار کفیده میفود.

« رزمندگان تامیل در سری لانکا در اوائل مهرماه پیش از ۵۰ ساختمان دولتی و ۱۱ اتومبیل متعلق به ارگانهای ضد خلقی رژیم حاکم بر سری لانکا را به آتش کشیدند.

« توده‌های مبارز آفریقای جنوبی ضمن اشغال یکسی از پلازهای که دولت ورود به آن را فقط برای سفید پوستان مجاز اعلام نموده بود، در کپ تاون نسبت به یک حرکت اعتراضی زدند و محل مزبور تا مدتها در دست تظاهرکنندگان باقی ماند.

« مردم مبارز استرالیا در اعتراض به وجود پایگاه هسته‌ای سرکوبگر آمریکائی در این کشور به نظارات برهکوهی مبنارت

« سازمان خواربار جهانی وابسته به سازمان ملل متحد اعلام کرد که حدود یک میلیارد نفر در کشورهای تحت سلطه کسبه نزدیک به ۱/۵ کل جمعیت دنیا را تشکیل میدهند در معرض گرسنگی و سوء تغذیه مداوم قرار دارند. و این در شرایطی است که ۷ کشور صنعتی غرب ( آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، ژاپن، ایتالیا و کانادا ) که ۱۲٪ جمعیت جهان را دارند و ۲/۳ درآمد ناخالص ملی جهان را در اختیار دارند.

« جامعه کشورهای عضو بازار مشترک در بروکسل اعلام نمود که ۱۰ میلیون نفر در این کشورها در فقر کامل به سر میبرند و بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ تعداد افراد فقیر و کم درآمد ۱۵/۷۵٪ افزایش یافته است.

« بر اساس جدیدترین آمارهای منتشر شده درباره بدحسی کشورهای تحت سلطه مابین کشورها ۱۲۰۰ میلیارد دلار بدهی دولتها و انحصارات امپریالیستی بدهکار بوده و این بدهکاری طی ۶ ماه گذشته سه میلیارد دلار افزایش یافته است و امپریالیستها سالانه تنها ۳۰۰ میلیارد دلار بایست سود این مبلغ استفاده میبرند.

« در اجلاس " گروه کاری " سازمان ملل متحد که سالی یکبار برای بررسی انواع جدید برده‌ناری تشکیل میفود اعلام شد که سالانه یک میلیون کودک به منظور بهره‌کشی جنسی در آمریکا و اروپا خرید و فروش میفوند. یکی از اعضای این اجلاس اعلام کرد: " ارائه رقم یک میلیون نفر خرید و فروش سالانه کودک در بازار جنسی تنها بغیر قابل رویت مسئله است. "

« کارشناسان امور اجتماعی آمریکا اعلام کردند که هر سال بطور متوسط ۲۵۷ هزار کودک در آمریکا معتاد متولد میفوند. میزان تولد کودکان بهنگاهی که از بدو تولد خود بغاطس اعتیاد مادرانشان معتاد به دنیا میآیند، در دو ایالت

پلیس به این تظاهرات ۳۶۰ دانشجو دستگیر شدند.

« - رهبر حزب محافظه کار یونان بوسیله مبارزان سازمان ۱۷ نوامبر به هلاکت رسید .

« - در جریان مبارزات معاون رئیس جمهور آمریکا از فیلمیبن تظاهرات با عکوهی بر علیه آمریکا در پایتخت فیلمیبن سازمان یافت که تظاهرکنندگان شعار میدادند امریکائی بسه خانهات برگرد .

« - به دنبال اعتصاب کارگران مبارز حرکت امریکائی تکواکو در اکوادور نیروهای ارتش امپریالیستی این کشور کنسول تاسیسات صنعت نفت را بدست گرفتند .

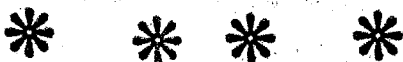
« - داکا پایتخت بنگلادش صحنه تظاهرات با عکوهی بر علیه رژیم حاکم بود و تظاهرکنندگان به انعقاد قرارداد جدیدی که دولت در رابطه با استخراج نفت با یک حرکت امپریالیستی منعقد نموده بود اعتراض دادند و خواهان لغو این قرارداد اسارتبار شدند .

« - انقلابیون مسلح پرو با اغفال دفا تر خبرگزارهای امپریالیستی یونایتدپرس و آسودیتپرس در این کشور این مراکز را مجبور به مغایره اخبار مبارزاتی خود نمودند .

« - بنیاسیت روز ملی تایوان صدها هزار نفر از اهالی این کشور با برپائی تظاهراتی خواهان آزادی زندانیان سیاسی شدند .

« - ۲۵۰ هزار نفر از کارگران مبارز افریقای جنوبی بر علیه قوانین جدید کار به اعتراض و تظاهرات مبارزت نمودند . این تظاهرات به درخواست اتحادیه های کارگری این کشور صورت پذیرفت .

« - بویوس آیرس پایتخت آرژانتین شاهد تظاهرات بزرگی بر علیه رئیس جمهور جدید این کشور بود . تظاهرکنندگان به عفو نظامیاتی که قبلا به دلیل پایمال نمودن حقوق مسردم بازداشت شده بودند ، اعتراض داشتند .



نموده و ضمن حمله به یکی از پایگاههای آمریکا درهای این پایگاه را درهم شکستند . پلیس مزدور استرالیا برای سرکوب این تظاهرات به دستگیری وسیع تظاهرکنندگان مبارزت ورزیدو حدود ۶۲۶ نفر را دستگیر نمود .

« - جریکهای توپامارو در پرو ضمن کشتن راننده و زخمی نمودن یکی از محافظین یکی از ماحیان بزرگترین شبکه راهبو و تلویزیون پرو و معاون بهمن آلن گارسا این مزدور را به گروگان گرفتند .

« - کارگران و کارمندان حرکت هواپیمائی بوئینگ آمریکا به دلیل کمبود دستمزد به اعتصاب دست زدند .

« - مبارزین هلی با انفجار بمبی در جلوی سفارت آمریکا در این کشور عزم خود در مبارزه برای نابودی سلطه امپریالیسم را بنمایر گذاشتند .

« - اتحادیه کارگران زغال سنگ در حمایت از اعتصاب کارگران معدن در ویرجینیای آمریکا مبارزت به تظاهرات نمودند که با حمله وحشیانه پلیس مواجه شده و عده ای از تظاهرکنندگان دستگیر شدند .

« - در پی تداوم اعتصاب غذای قهرمانانه زندانیان سیاسی در ترکیه یکی از نشریات وابسته به دولت طی گزارشی اعلام نمود که در طی ۹ سال گذشته بالغ بر ۶۵۰ هزار نفر توسط نیروهای سرکوبگر بازداشت شده اند . همچنین این نشریه اسامی ۳۳ نفر از زندانیان سیاسی که قهرمانانه زیر شکنجه های وحشیانه رژیم جنایتکار ترکیه به عهده ت رسیدند را منتشر نمود .

« - در اوایل شهریور ماه هزاران نفر از اهالی شهر نیویورک در آمریکا در اعتراض به گفته شدن یک نوجوان سیاه پوست به تظاهرات پرداختند . دولت آمریکا برای سرکوب این تظاهرات ۲۰۰۰ تن از نیروهای سرکوبگر خود را بسه صحنه آورد و تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را دستگیر نمود .

« - پلیس پاکستان برای درهم شکستن اعتصاب زندانیان یکی از زندانیهای شهر حیدرآباد ، وحشیانه آنها را مورد یورش قرار داد که در نتیجه ۹ زندانی کشته و دهها نفر مجروح شدند .

« - در اعتراض به اخراج تعدادی از استادان دانشگاه « کوما » ۵۰۰۰ دانشجوی مبارز کره جنوبی کلاسهای درس را بایکوت کرده و به تظاهرات پرداختند . در جریان مسورن

## ایران از دریچه آمار

« - نماینده فریمان در مجلس اعلام کرد که: کسری بودجه جمهوری اسلامی در سال ۶۷ رقمی حدود ۲۱۴۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بوده است.»

« - احمد حسینی معاون مالیاتی وزیر اقتصاد و دارائی اعلام کرد: ۴۰٪ مردم که در پائین ترین گروه اجتماعی قرار دارند،

مالک ۲/۹٪ از دارائیهای کشور میباشدند. در حالیکه ۱۰٪ از افراد جامعه صاحب ۶۳/۱۷٪ ثروت جامعه میباشدند و ۱٪ از

این گروه به تنهایی صاحب ۲۱/۱۸٪ کل ثروت جامعه میباشدند.

« - بی بی سی گزارش داد که نرخ تورم در جمهوری اسلامی از ۱۰۰٪ تجاوز کرده است. بی بی سی اضافه میکند آمار

مربوط به بیکاری که از سوی مقامات رسمی رژیم انتشار یافته و حاکی از محروم بودن ۲۵٪ از نیروی کار در دستهای

به اشتغال میباشد بدلیل اینکه جمعیت جوانی کار زنان را به

حساب نمیآورد نادرست است. در صورتیکه جمعیت زنان کشور

که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل میدهند را نیز به حساب

آوریم رقم بیکاران در جمهوری اسلامی به بیش از ۳۷۰٪ از جمعیت فعال کشور خواهد رسید.

« - با به پایان رسیدن آسفالت جاده مهاباد - سردشت

اناره کل راه رژیم در کردستان و آنر بایجان غربی اعلام کرد

که طی سالهای اخیر در این دو استان ۷۶۰ کیلومتر آسفالت ریزی

گرم و ۷۲۸ کیلومتر آسفالت ریزی سرد را به پایان رسانده

است. این اناره اعلام نمود با احداث ۸۵۰ کیلومتر جاده

روستائی در این مناطق ۹۰٪ روستاهای دو استان مزبور را به

راههای اصلی مرتبط ساخته است. این آمار بروی نقش

سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در کردستان و کوششهای نیروهای

ضد خلقی این رژیم در میلپتار رژیم کردستان را آشکار میسازد.

« - کیهان بنقل از یکی از کارشناسان امور کفای و ورزشی و فرسایش خاک گزارش داد: «تخریب آب و خاک کشور در ۷۰ سال اخیر به اندازه تمام ۷۰۰۰ سال گذشته و در ۷ سال اخیر به اندازه تمام این ۷۰ سال بوده است.»

« - مرکز آمار ایران اعلام کرد که در سال ۶۵ از کل تعداد ۱۱/۰۳۰/۰۰۰ نفر افراد بالغ در بخشهای مختلف اقتصادی کشور

تنها ۲/۲۹۰/۰۰۰ نفر در بخش صنعت بکار اشتغال داشتهاند.

همچنین روزنامه کیهان طی گزارشی نوشت از سال ۵۵ تا ۶۵ بخش

صنعت ۹٪ رشد منفی داشته و از نظر اشتغال، سقوطی معادل ۱۷٪ داشته است.

« - بانک مرکزی اعلام کرد که نرخ اجاره بهای مسکن در فاصله

سالهای ۵۳ تا ۶۳، ۳۳۵۰٪ افزایش یافته است. همچنین سالانه

۳۶۰/۰۰۰ خانوار به تعداد متقاضیان مسکن افزوده میشود در

حالیکه سالانه تنها ۱۰۰/۰۰۰ واحد از طریق بخش خصوصی و

دولتی ساخته میشود.

« - مدیرکل حفاظت محیط زیست اصفهان اعتراف نمود که طی

ماه گذشته بدلیل آلودگی آب زاینده رود ۲۰۰/۰۰۰ ماهی از

بین رفته است.

« - وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد که آموزش و پرورش

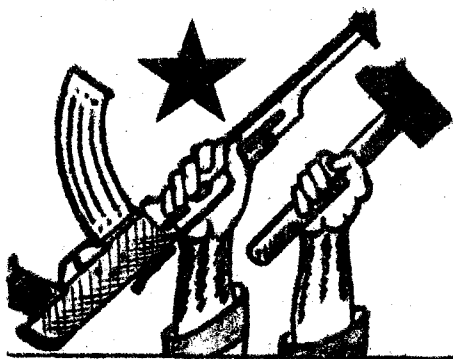
جمهوری اسلامی با حدود ۵۰٪ کمبود اعتبار مواجه است.

« - به گزارشی روزنامه کیهان: در حالیکه ۹۰/۰۰۰ آموزشگاه

در سراسر کشور سالانه به حدود ۳/۰۰۰/۰۰۰ توپ بعلتوان

سادهترین و ارزانترین وسیله ورزشی نیازمندند در حال حاضر تنها از ۵۰ تا ۶۰ هزار توپ برخوردار میباشدند.

« - معاون عمرانی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد: «ما در حال حاضر حدود ۶۰/۰۰۰ ساختمان آموزشی داریم که در ایسن ۶۰/۰۰۰ ساختمان ۱۴/۰۰۰/۰۰۰ دانشآموز مفقود تحصیل هستند» وی در نامه سخنانی گفت: «ما در حال حاضر با کمبود ۶۵/۰۰۰ کلاس روبرو هستیم.»





"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق  
تهرمانان فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را  
برافرازم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،  
به پیش رویم!"  
(ماثوتسه دون)

شهدای شهریور و مهر ماه چریکهای فدائی خلق ایران

- ناصر مرادی ۶۰/۷/۲۰
- حسن بشیری ۶۰/۷/۲۰
- عباس مکاری ۶۰/۷/۲۰
- غلامحسین زینبوند ۶۰/۷/۲۲
- اسماعیل باقری ۶۰/۷/۲۹
- حمید باقری ۶۰/۷/۲۹
- سید علی اصغر کاسانه ۶۱/۷/۲۷
- اکبر ناسری ۶۱/۷/۲۷
- صبن احمدی ۶۱/۷/۲۷
- محسن میرفصیحی ۶۱/۷/۲۷
- زاهد سجاد دی کیلانه ای (کاک جلال) ۵۹/۷/۱۲



روز شمار شهریور و مهر ماه

- ۶/۲ / نبرد استالینگراد (۱۹۴۲)
- ۷/۳ / پیام مردم مایگون (۱۹۴۵)
- ۵۵/۶/۱۱ / قتل عام اهالی روستای قارنا در کردستان
- ۶/۱۱ / آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹)
- ۷/۱۱ / اعلام جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی (۱۹۷۵)
- ۶/۱۲ / درگذشت هوئی مین (۱۹۷۵)
- ۱۳۲۰/۶/۱۲ / تشکیل فرقه دمکرات کربلای نجف
- ۶/۱۳ / پیروزی سالوادور آلنده در شیلی (۱۹۷۰)
- ۱۳۴۷/۶/۱۶ / شهادت معلم انقلابی رفیق صد بهرتگی
- ۵۷/۶/۱۷ / کشتار مردم تهران (جمعه خونین) و اعلام حکومت نظامی در ۱۱ شهر ایران
- ۶/۱۸ / درگذشت ماثوتسه دون (۱۹۷۶)
- ۶/۲۵ / کودتای آمریکا علیه آلبنده (۱۹۷۳)
- ۶/۲۶ / قتل عام فلسطینیان در اردن (پنجاهمیر سیاه) ۱۹۷۰
- ۶/۲۶ / قتل عام فلسطینیان در صبرا و شتیلا (۱۹۸۲)
- ۷/۶ / تشکیل اولین کنگره اشتراک سیونال اول (۱۸۶۲)
- ۷/۹ / پیروزی انقلاب چین (۱۹۴۹)
- ۱۳۰۰/۷/۱۱ / شهادت کلنل محمدتقی خان پسبان

- احمد کریمی ۶۱/۶/۲
- نصرت کریمی ۶۱/۶/۲
- محمد یوسف پوری ۶۱/۶/۶
- صدیق دیده رو ۶۱/۶/۲۹
- رفیقا :
- مهرنوش اسراهیمی ۵۰/۷/۶
- منوچهر بهادر پور ۵۰/۸/۵
- چنگیز فیاضی ۵۰/۸/۱۰
- محمدعلی مائینی ۵۰/۶/۱۰
- سید نوراهی ۵۰/۶/۱۵
- محمدرفقا همتی ۵۲/۶/۲
- پروین فاطمی ۵۲/۷/۸
- فرشید فرجاد ۵۲/۷/۲۴
- پسوی ۵۲/۷/۲۴
- علی دبیری فرد ۵۲/۷/۳۰
- رحیم خدا داهی ۵۵/۷/۶
- غلامرضا سالاری ۶۰/۷/۵
- کرامت قبادی ۶۰/۷/۹
- خسرو دانش ایران مبارکه ۶۰/۷/۱۳
- سروش نیکخواه ۶۰/۷/۱۳
- محمدسعید خراسی ۶۰/۷/۱۴
- عارف بیلوکی ۶۰/۷/۱۴
- مهناز نجاری ۶۰/۷/۱۹
- مریم دانش ایران مبارکه ۶۰/۷/۱۹
- فرشید راجی ۶۰/۷/۱۹
- مهوش جوکار ۶۰/۷/۲۱
- احمد اسلامی ۶۰/۷/۲۰
- طاهره قاسمی ۶۰/۷/۲۰
- محمد امین تراسی ۶۰/۷/۲۰
- محمود خدا دادزاده ۶۰/۷/۲۰
- فاطمه رخ بین ۶۰/۷/۲۰
- فتح الله فرید ۶۰/۷/۲۰

- رفیقا :
- سیروس سپهری
- ایرج سپهری
- اعظم روحی هنگران
- عباس کابلی
- حسن سعادت
- پرویز داوری
- هاشم بابا علی
- غلامحسین بجگی
- رضا بهر
- بهزاد یوسفی (کاک محمد)
- لطف الله کیوانی
- سعید اسماعیل پور موسوی
- مانی خداوردی
- عباس کاتوریان
- سید مرتضی میررفایی
- محمد چشمبراه
- فریده شمشری
- علیرضا پناهی
- بهروز شاهین
- حبیب مادتقی
- امیر نمازی زادگان
- رضا خالصی
- ماهرخ یوسفی
- غلامشاه (حواد) ضمیری
- محمد اسرافیلی
- علیرضا تراقچی
- نصرالله احمدشاهی
- عبدالله وارثکی
- شهرام شفیعیان
- امیر معصوم علیشاهی
- محمود غاموشیان
- شهناز رونایی

در صفحه ۳۱

هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق



گرامی باد خاطره

رفیق مائوتسه دون رهبر کبیر انقلاب چین

و آموزگار بزرگ پرولتاریای

جهان

## دانش آموزان در سال تحصیلی جدید

با فرا رسیدن اول مهرماه چهل و پنج میلیون دانش آموز به این امید که با گذراندن دوران تحصیلات خویش و فراگیری علم و دانش زندگی آینده خود را با امکانات بیستری شکل خواهند داد؛ سال تحصیلی جدید را آغاز نمودند. اما نگاهی به شرایطی که جمهوری اسلامی برای جوانانی که خواهان فراگیری علم و دانش هستند بوجود آورده، نشان میدهد که چگونه هر روز که از سلطه این رژیم وابسته به امپریالیسم میگذرد جوانان ما با امکانات هرچه کمتری برای رسیدن به اهدافشان مواجه میشوند.

دانش آموزان ما در شرایطی سال تحصیلی جدید را آغاز میکنند که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی فریبکارانه از مبارزه با بیسوادی و تحصیل رایگان دم زده ولی در عمل به اشکال مختلف به اخاذی از دانش آموزان و دریافت شهریه از آنها میبازد و آنچنان شرایط فلاکتباری برای تودهها بوجود آورده است که درصد بالایی از جوانان کشور هر ساله از امکان تحصیل با انامه آن محروم گردیده و به خیل در صفحه ۱۰

با کمکهای مالی خود  
جریکهای فدائی خلق ایران  
را پاری رسانید

در تکمیل آثار سازمانی بکوشید

برای تماس با جریکهای فدائی خلق ایران  
با نشانیهای زیر مکاتبه کنید:

فرانسه

انگلستان

F. S  
B. P. \_ 181  
75623 PARIS  
CEDEX 13  
FRANCE

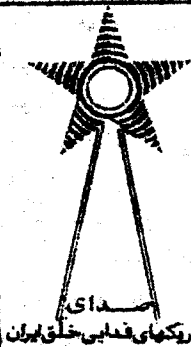
BM BOX 5051  
LONDON  
WCIN 3XX  
ENGLAND

ساعات پخش:

۹ شب و

۵ و ۶ صبح و ۱۷ ظهر روز بعد

ردیف ۷۵ متر



جریکهای فدائی خلق ایران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!